ترتیبها ۷۸

سُورَةُ النَّبَإِ

آیاتها ۴۰

جزء ۳۰
حزب ۵۹

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام الله مهر گسترِ مهربان

عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ ﴿۱﴾ عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلْعَظِيمِ ﴿۲﴾ ٱلَّذِى هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿۳﴾
از چه می پرسند [مردم] از یکدیگر ﴿۱﴾ از آن خبر بزرگ ﴿۲﴾ که ایشان در آن اختلاف دارند ﴿۳﴾

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿۴﴾ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿۵﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ ٱلْأَرْضَ مِهَٰدًا ﴿۶﴾
چنین نیست به زودی خواهند دانست ﴿۴﴾ باز هم چنین نیست به زودی خواهند دانست ﴿۵﴾ آیا قرار ندادیم زمین را بستری [برای زندگانی] ﴿۶﴾

وَٱلْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿۷﴾ وَخَلَقْنَٰكُمْ أَزْوَٰجًا ﴿۸﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا
و کوه ها را میخ ها ﴿۷﴾ و آفریدیم شما را جفت جفت [نر و ماده] ﴿۸﴾ و قرار دادیم خواب شما را سبب آرامش

﴿۹﴾ وَجَعَلْنَا ٱلَّيْلَ لِبَاسًا ﴿۱۰﴾ وَجَعَلْنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشًا ﴿۱۱﴾ وَبَنَيْنَا
﴿۹﴾ و قرار دادیم شب را پوششی ﴿۱۰﴾ و قرار دادیم روز را مایهٔ زندگی ﴿۱۱﴾ و بنا کردیم

فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿۱۲﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ﴿۱۳﴾ وَأَنزَلْنَا
بالای سر شما هفت [آسمان] بس استوار ﴿۱۲﴾ و قرار دادیم چراغی درخشان را ﴿۱۳﴾ و فرو آوردیم

مِنَ ٱلْمُعْصِرَٰتِ مَآءً ثَجَّاجًا ﴿۱۴﴾ لِّنُخْرِجَ بِهِۦ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿۱۵﴾ وَجَنَّٰتٍ
از ابرهای فشارنده آبی ریزان را ﴿۱۴﴾ تا برآوریم به واسطهٔ آن دانه و گیاه را ﴿۱۵﴾ و باغ های

أَلْفَافًا ﴿۱۶﴾ إِنَّ يَوْمَ ٱلْفَصْلِ كَانَ مِيقَٰتًا ﴿۱۷﴾ يَوْمَ يُنفَخُ فِى ٱلصُّورِ
درهم پیچیده ﴿۱۶﴾ بی گمان روز داوری [و جدایی] هست وعده گاه [مردم] ﴿۱۷﴾ روزی که دمیده شود در صور

فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿۱۸﴾ وَفُتِحَتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتْ أَبْوَٰبًا ﴿۱۹﴾ وَسُيِّرَتِ
پس می آیید فوج فوج ﴿۱۸﴾ و گشوده شود آسمان و می شود دارای درهایی ﴿۱۹﴾ و روان کرده شوند

ٱلْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿۲۰﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿۲۱﴾ لِّلطَّٰغِينَ
کوه ها پس شوند همچون سراب ﴿۲۰﴾ بی شک دوزخ هست در کمین ﴿۲۱﴾ برای سرکشان

مَـَٔابًا ﴿۲۲﴾ لَّٰبِثِينَ فِيهَآ أَحْقَابًا ﴿۲۳﴾ لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا
بازگشتگاهی است ﴿۲۲﴾ درنگ کنندگان در آن سالیانی ﴿۲۳﴾ نمی چشند در آنجا خنکی و نه نوشیدنی را

﴿۲۴﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿۲۵﴾ جَزَآءً وِفَاقًا ﴿۲۶﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا۟
﴿۲۴﴾ مگر آب داغ و خونابه ای بدبو ﴿۲۵﴾ پاداشی موافق [کردار انها] ﴿۲۶﴾ چراکه آنان خود

لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿۲۷﴾ وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا كِذَّابًا ﴿۲۸﴾ وَكُلَّ شَىْءٍ
امید نداشتند به حسابی ﴿۲۷﴾ وتکذیب می کردند آیات ما را سخت ﴿۲۸﴾ و هر چیزی را

أَحْصَيْنَٰهُ كِتَٰبًا ﴿۲۹﴾ فَذُوقُوا۟ فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿۳۰﴾
شمارش کرده ایم به نوشتن ﴿۲۹﴾ پس بچشید که هرگز نه افزاییم بر شما جز عذاب را ﴿۳۰﴾

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿۳۱﴾ حَدَآئِقَ وَأَعْنَٰبًا ﴿۳۲﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿۳۳﴾ وَكَأْسًا
بی گمان برای پرهیزکاران کامیابی است ﴿۳۱﴾ باغ ها و انگورها ﴿۳۲﴾ و دوشیزگانی نارپستان هم سال ﴿۳۳﴾ و جام های

دِهَاقًا ﴿۳۴﴾ لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّٰبًا ﴿۳۵﴾ جَزَآءً مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً
لبریز ﴿۳۴﴾ نمی شنوند در آنجا سخنان بیهوده و نه تکذیب سخنی را ﴿۳۵﴾ پاداشی است از جانب پروردگارت عطایی

حِسَابًا ﴿۳۶﴾ رَّبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ٱلرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ
از روی حساب ﴿۳۶﴾ پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است [الله] مهرگستر نتوانند

مِنْهُ خِطَابًا ﴿۳۷﴾ يَوْمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ
در برابر او هیچ سخنی را ﴿۳۷﴾ روزی که می ایستند روح و فرشتگان به صف سخن نگویند

إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿۳۸﴾ ذَٰلِكَ ٱلْيَوْمُ ٱلْحَقُّ فَمَن
مگر کسی که اجازه دهد او را [الله] مهرگستر و گوید [گفتاری] درست ﴿۳۸﴾ آن [روز] روز حق است پس هر که

شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ مَـَٔابًا ﴿۳۹﴾ إِنَّآ أَنذَرْنَٰكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ
خواهد بگیرد به سوی پروردگارش راه بازگشتی را ﴿۳۹﴾ همانا ما بیم دادیم شما را از عذابی نزدیک روزی که

يَنظُرُ ٱلْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ ٱلْكَافِرُ يَٰلَيْتَنِى كُنتُ تُرَٰبًۢا ﴿۴۰﴾
بنگرد آدمی چیزی را که پیش فرستاده است با دو دستش و گوید کافر کاشکی من می بودم خاک ﴿۴۰﴾

سورة النازعات

ترتیبها ۷۹ — آیاتها ۴۶

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام الله مهر گستر مهربان

وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرْقًا ﴿۱﴾ وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشْطًا ﴿۲﴾ وَٱلسَّٰبِحَٰتِ سَبْحًا
سوگند به آن فرشتگان برکننده به طور کامل ﴿۱﴾ و سوگند به آن برگیرندگان به آرامی ﴿۲﴾ و سوگند به آن فرشتگان شناور که شناورند

﴿۳﴾ فَٱلسَّٰبِقَٰتِ سَبْقًا ﴿۴﴾ فَٱلْمُدَبِّرَٰتِ أَمْرًا ﴿۵﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ ٱلرَّاجِفَةُ
﴿۳﴾ پس پیشی گیرندگان اند پیشی گرفتنی ﴿۴﴾ آنگاه تدبیر کنندگان هرکاری هستند ﴿۵﴾ در روزی که به لرزه درآید آن بانگ عظیم [لرزه افکن]

﴿۶﴾ تَتْبَعُهَا ٱلرَّادِفَةُ ﴿۷﴾ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿۸﴾ أَبْصَٰرُهَا
﴿۶﴾ به دنبال آن بانگی دیگر برآید ﴿۷﴾ دل هایی در آن روز ترسانند ﴿۸﴾ چشم های آنها

خَٰشِعَةٌ ﴿۹﴾ يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِى ٱلْحَافِرَةِ ﴿۱۰﴾ أَءِذَا كُنَّا
فروافتاده است ﴿۹﴾ می گویند آیا ما برخواهیم گشت به حالت اول ﴿۱۰﴾ آیا وقتی که شویم

عِظَٰمًا نَّخِرَةً ﴿۱۱﴾ قَالُوا۟ تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿۱۲﴾ فَإِنَّمَا هِىَ زَجْرَةٌ
استخوان های پوسیده ﴿۱۱﴾ [به مسخره] گویند این در این هنگام بازگشتی زیان آور خواهد بود ﴿۱۲﴾ پس آن یک فریاد است

وَٰحِدَةٌ ﴿۱۳﴾ فَإِذَا هُم بِٱلسَّاهِرَةِ ﴿۱۴﴾ هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ﴿۱۵﴾
و بس ﴿۱۳﴾ پس ناگهان ایشان در روی زمین حاضر می شوند ﴿۱۴﴾ آیا رسیده است به تو داستان موسی ﴿۱۵﴾

إِذۡ نَادَىٰهُ رَبُّهُۥ بِٱلۡوَادِ ٱلۡمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾ ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿١٧﴾
آنگاه که ندا داد او را پروردگارش در سرزمین پاکِ «طوی» (۱۶) برو به سوی فرعون همانا او سرکشی کرده است (۱۷)

فَقُلۡ هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾ وَأَهۡدِيَكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخۡشَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَرَىٰهُ
پس بگو آیا میل داری که به پاکی گرایی (۱۸) و راه نمایم تو را به سوی پروردگارت پس بترسی (۱۹) پس بنمودش

ٱلۡأٓيَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰ ﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ﴿٢١﴾ ثُمَّ أَدۡبَرَ يَسۡعَىٰ ﴿٢٢﴾ فَحَشَرَ
آن معجزهٔ بزرگ را (۲۰) پس تکذیب کرد و نافرمانی نمود (۲۱) پس پشت گردانید درحالی که می کوشید (۲۲) پس گرد آورد همه را

فَنَادَىٰ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ أَنَا۠ رَبُّكُمُ ٱلۡأَعۡلَىٰ ﴿٢٤﴾ فَأَخَذَهُ ٱللَّهُ نَكَالَ ٱلۡأٓخِرَةِ وَٱلۡأُولَىٰٓ
و ندا کرد (۲۳) پس گفت منم پروردگار برتر شما (۲۴) پس گرفتار کرد او را الله به عذاب آخرت و دنیا

﴿٢٥﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةً لِّمَن يَخۡشَىٰٓ ﴿٢٦﴾ ءَأَنتُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَمِ ٱلسَّمَآءُۚ بَنَىٰهَا
(۲۵) همانا در این [داستان] عبرتی است برای کسی که بترسد (۲۶) آیا آفریدن شما دشوارتر است یا آسمان که بنا نمود آن را

﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمۡكَهَا فَسَوَّىٰهَا ﴿٢٨﴾ وَأَغۡطَشَ لَيۡلَهَا وَأَخۡرَجَ ضُحَىٰهَا ﴿٢٩﴾
(۲۷) بر افراشت سقفش را و آن را بپرداخت (۲۸) و تاریک کرد شب آن را و آشکار نمود روشنی روز آن را (۲۹)

وَٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ دَحَىٰهَآ ﴿٣٠﴾ أَخۡرَجَ مِنۡهَا مَآءَهَا وَمَرۡعَىٰهَا ﴿٣١﴾
و زمین را پس از آن صاف و هموار نمود (۳۰) برآورد از زمین آب آن را و چراگاه آن را (۳۱)

وَٱلۡجِبَالَ أَرۡسَىٰهَا ﴿٣٢﴾ مَتَٰعًا لَّكُمۡ وَلِأَنۡعَٰمِكُمۡ ﴿٣٣﴾ فَإِذَا جَآءَتِ ٱلطَّآمَّةُ
و کوه ها را استوار ساخت (۳۲) تا بهره مندی ای باشد برای شما و برای چهارپایان شما (۳۳) پس وقتی که بیاید بزرگ ترین

ٱلۡكُبۡرَىٰ ﴿٣٤﴾ يَوۡمَ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا سَعَىٰ ﴿٣٥﴾ وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ
هنگامه (۳۴) روزی که به یاد آورد انسان آنچه کوشش کرده است (۳۵) و پدیدار شود دوزخ را

لِمَن يَرَىٰ ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَن طَغَىٰ ﴿٣٧﴾ وَءَاثَرَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ ٱلۡجَحِيمَ
برای هرکس که بیند (۳۶) پس هرکه سرکشی کرده باشد (۳۷) و ترجیح داده باشد زندگانی دنیا را (۳۸) پس بی گمان، دوزخ

هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ ﴿٣٩﴾ وَأَمَّا مَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفۡسَ عَنِ ٱلۡهَوَىٰ
همان جایگاه اوست (۳۹) و امّا کسی که بترسد از ایستادن در حضور پروردگارش و بازدارد نفس را از هوس

﴿٤٠﴾ فَإِنَّ ٱلۡجَنَّةَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ ﴿٤١﴾ يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَا
(۴۰) پس بی گمان، بهشت همان جایگاه اوست (۴۱) می پرسند از تو درباره رستاخیز که کی است وقوع آن

﴿٤٢﴾ فِيمَ أَنتَ مِن ذِكۡرَىٰهَآ ﴿٤٣﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ ﴿٤٤﴾ إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ
(۴۲) چه کار تو را از یاد آن (۴۳) به سوی پروردگار توست فرجام آن (۴۴) همانا تو بیم دهنده ای

مَن يَخۡشَىٰهَا ﴿٤٥﴾ كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَهَا لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوۡ ضُحَىٰهَا ﴿٤٦﴾
کسی را که می ترسد از آن (۴۵) گویا که آنان روزی که بینند آن را درنگ نکرده بودند [در دنیا] مگر شامگاهی یا چاشتگاه آن (۴۶)

ترتیبها ۸۰ — سُورَةُ عَبَسَ — آیاتها ۴۲

ربع حزب ۵۹

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ﴿١﴾ أَن جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ﴿٣﴾ أَوۡ
روی ترش کرد و رخ برتافت ﴿١﴾ به سبب آنکه بیامد پیش او آن نابینا ﴿٢﴾ و چه چیزی آگاهت می سازد شاید او به پاکی گراید ﴿٣﴾ یا

يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكۡرَىٰٓ ﴿٤﴾ أَمَّا مَنِ ٱسۡتَغۡنَىٰ ﴿٥﴾ فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ ﴿٦﴾
پند گیرد پس سود دهد او را آن پند ﴿٤﴾ امّا آن که خود را بی نیاز بیند [از هدایت] ﴿٥﴾ پس تو به او می پردازی ﴿٦﴾

وَمَا عَلَيۡكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسۡعَىٰ ﴿٨﴾ وَهُوَ يَخۡشَىٰ ﴿٩﴾ فَأَنتَ
و نیست برعهدهٔ تو که به پاکی نگراید ﴿٧﴾ و امّا آن که آمد پیش تو شتابان ﴿٨﴾ و او می ترسد ﴿٩﴾ پس تو

عَنۡهُ تَلَهَّىٰ ﴿١٠﴾ كَلَّآ إِنَّهَا تَذۡكِرَةٞ ﴿١١﴾ فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿١٢﴾ فِي صُحُفٖ مُّكَرَّمَةٖ
از وی [به دیگری] مشغول می شوی ﴿١٠﴾ چنین نیست همانا این آیات پند است ﴿١١﴾ پس هرکه خواهد از آن پند گیرد ﴿١٢﴾ در صحیفه های ارجمند

﴿١٣﴾ مَّرۡفُوعَةٖ مُّطَهَّرَةِۭ ﴿١٤﴾ بِأَيۡدِي سَفَرَةٖ ﴿١٥﴾ كِرَامِۭ بَرَرَةٖ ﴿١٦﴾ قُتِلَ ٱلۡإِنسَٰنُ
﴿١٣﴾ بلندمرتبهٔ پاکیزه ﴿١٤﴾ به دست نویسندگانی ﴿١٥﴾ بزرگ منش نیکوکردار ﴿١٦﴾ کشته باد انسان

مَآ أَكۡفَرَهُۥ ﴿١٧﴾ مِنۡ أَيِّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥ ﴿١٨﴾ مِن نُّطۡفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ﴿١٩﴾ ثُمَّ
چقدر ناسپاس است ﴿١٧﴾ از چه چیزی آفرید او را ﴿١٨﴾ از یک قطرهٔ آب آفریدش پس به اندازه قرارش داد ﴿١٩﴾ پس

ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقۡبَرَهُۥ ﴿٢١﴾ ثُمَّ إِذَا شَآءَ أَنشَرَهُۥ ﴿٢٢﴾ كَلَّا
راه را آسان سازد برای او ﴿٢٠﴾ باز بمیراند او را پس در گورش کند ﴿٢١﴾ پس وقتی که خواهد برانگیزدش ﴿٢٢﴾ چنین نیست

لَمَّا يَقۡضِ مَآ أَمَرَهُۥ ﴿٢٣﴾ فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ ﴿٢٤﴾ أَنَّا صَبَبۡنَا ٱلۡمَآءَ صَبّٗا
هنوز انجام نداده آنچه را که فرمانش داده است ﴿٢٣﴾ پس باید نگرد آدمی به خوراک خویش ﴿٢٤﴾ همانا ریختیم آب را ریختنی

﴿٢٥﴾ ثُمَّ شَقَقۡنَا ٱلۡأَرۡضَ شَقّٗا ﴿٢٦﴾ فَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا حَبّٗا ﴿٢٧﴾ وَعِنَبٗا وَقَضۡبٗا ﴿٢٨﴾
﴿٢٥﴾ باز شکافتیم زمین را [از گیاه] شکافتنی ﴿٢٦﴾ پس رویانیدیم در آن دانه ای را ﴿٢٧﴾ و انگور و سبزیجات را ﴿٢٨﴾

وَزَيۡتُونٗا وَنَخۡلٗا ﴿٢٩﴾ وَحَدَآئِقَ غُلۡبٗا ﴿٣٠﴾ وَفَٰكِهَةٗ وَأَبّٗا ﴿٣١﴾ مَّتَٰعٗا لَّكُمۡ
و زیتون و خرما را ﴿٢٩﴾ و باغ های پر درخت را ﴿٣٠﴾ و میوه و چراگاه را ﴿٣١﴾ بهره ای برای شما

وَلِأَنۡعَٰمِكُمۡ ﴿٣٢﴾ فَإِذَا جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ ﴿٣٣﴾ يَوۡمَ يَفِرُّ ٱلۡمَرۡءُ مِنۡ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾
و چهارپایان تان ﴿٣٢﴾ پس وقتی که بیاید آن بانگ سهمگین ﴿٣٣﴾ روزی که بگریزد مرد از برادرش ﴿٣٤﴾

وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾ وَصَٰحِبَتِهِۦ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾ لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ يَوۡمَئِذٖ شَأۡنٞ
و از مادرش و از پدرش ﴿٣٥﴾ و از همسرش و از پسرانش ﴿٣٦﴾ برای هر مردی از ایشان آن روز کاری است که

يُغۡنِيهِ ﴿٣٧﴾ وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ مُّسۡفِرَةٞ ﴿٣٨﴾ ضَاحِكَةٞ مُّسۡتَبۡشِرَةٞ ﴿٣٩﴾ وَوُجُوهٞ
او را به خود سرگرم می دارد ﴿٣٧﴾ چهره هایی در آن روز تابانند ﴿٣٨﴾ خندان و شادمانند ﴿٣٩﴾ و چهره هایی

يَوۡمَئِذٍ عَلَيۡهَا غَبَرَةٞ ﴿٤٠﴾ تَرۡهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَفَرَةُ ٱلۡفَجَرَةُ ﴿٤٢﴾
در آن روز بر آنها غبار و تیرگی است ﴿٤٠﴾ فرو گیرد آنها را سیاهی ﴿٤١﴾ آنان همان کافران بدکارند ﴿٤٢﴾

ترتیبها ۸۱ — سُورَةُ التَّكْوِيرِ — آیاتها ۲۹

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

إِذَا ٱلشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿۱﴾ وَإِذَا ٱلنُّجُومُ ٱنكَدَرَتْ ﴿۲﴾ وَإِذَا ٱلْجِبَالُ
آنگاه که آفتاب درهم پیچیده شود ﴿۱﴾ و آنگاه که ستارگان تیره شوند ﴿۲﴾ و آنگاه که کوه ها

سُيِّرَتْ ﴿۳﴾ وَإِذَا ٱلْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿۴﴾ وَإِذَا ٱلْوُحُوشُ حُشِرَتْ
روان شود ﴿۳﴾ و آنگاه که شتران ده ماهه رها شوند ﴿۴﴾ و آنگاه که جانوران وحشی گردآورده شوند

﴿۵﴾ وَإِذَا ٱلْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿۶﴾ وَإِذَا ٱلنُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿۷﴾ وَإِذَا
﴿۵﴾ و آنگاه که دریاها افروخته شوند ﴿۶﴾ و آنگاه که جان ها [با پیکرها] قرین شوند ﴿۷﴾ و آنگاه که

ٱلْمَوْءُۥدَةُ سُئِلَتْ ﴿۸﴾ بِأَىِّ ذَنۢبٍ قُتِلَتْ ﴿۹﴾ وَإِذَا ٱلصُّحُفُ نُشِرَتْ
از دختر زنده به گور پرسیده شود ﴿۸﴾ به کدام گناه کشته شده است ﴿۹﴾ و آنگاه که نامه های اعمال گشوده شوند

﴿۱۰﴾ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتْ ﴿۱۱﴾ وَإِذَا ٱلْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿۱۲﴾ وَإِذَا ٱلْجَنَّةُ
﴿۱۰﴾ و آنگاه که آسمان برکنده شود ﴿۱۱﴾ و آنگاه که دوزخ برافروخته شود ﴿۱۲﴾ و آنگاه که بهشت

أُزْلِفَتْ ﴿۱۳﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّآ أَحْضَرَتْ ﴿۱۴﴾ فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلْخُنَّسِ ﴿۱۵﴾
نزدیک آورده شود ﴿۱۳﴾ [آن روز] بداند هرکسی آنچه را که حاضر ساخته است ﴿۱۴﴾ پس [چنان نیست که کافران پندارند] سوگند به ستارگان بازگردنده ﴿۱۵﴾

ٱلْجَوَارِ ٱلْكُنَّسِ ﴿۱۶﴾ وَٱلَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿۱۷﴾ وَٱلصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿۱۸﴾
آن روندگانِ نهان شونده ﴿۱۶﴾ و سوگند به شب آنگاه که پشت کند ﴿۱۷﴾ و سوگند به صبح آنگاه که بردمد ﴿۱۸﴾

إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿۱۹﴾ ذِى قُوَّةٍ عِندَ ذِى ٱلْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿۲۰﴾ مُّطَاعٍ
همانا آن [قرآن] سخن فرستاده ای ارجمند است ﴿۱۹﴾ توانمندی نزد صاحب عرش بلند جایگاه ﴿۲۰﴾ فرمان برده شده

ثَمَّ أَمِينٍ ﴿۲۱﴾ وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ ﴿۲۲﴾ وَلَقَدْ رَءَاهُ بِٱلْأُفُقِ ٱلْمُبِينِ
[و] در آنجا امین [وحی] است ﴿۲۱﴾ و نیست همنشین شما دیوانه ﴿۲۲﴾ و هر آینه دیده بود آن [فرشته] را در افق روشن

﴿۲۳﴾ وَمَا هُوَ عَلَى ٱلْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿۲۴﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَٰنٍ رَّجِيمٍ ﴿۲۵﴾
﴿۲۳﴾ و نیست او بر [گزارش از] غیب بخیل ﴿۲۴﴾ و نیست این [قرآن] سخن شیطان رانده شده ﴿۲۵﴾

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿۲۶﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿۲۷﴾ لِمَن شَآءَ مِنكُمْ أَن
پس کجا می روید ﴿۲۶﴾ نیست این [قرآن] مگر پندی برای جهانیان ﴿۲۷﴾ برای هرکس که بخواهد از شما که

يَسْتَقِيمَ ﴿۲۸﴾ وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿۲۹﴾
بر راه راست رود ﴿۲۸﴾ و شما نمی خواهید مگر آنکه بخواهد الله پروردگار جهانیان ﴿۲۹﴾

ترتیبها ۸۲ — سُورَةُ الانفِطَارِ — آیاتها ۱۹

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام الله مهر گسترِ مهربان

نصف حزب ۵۹

إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنفَطَرَتۡ ﴿١﴾ وَإِذَا ٱلۡكَوَاكِبُ ٱنتَثَرَتۡ ﴿٢﴾ وَإِذَا ٱلۡبِحَارُ
آنگاه که آسمان بشکافد ﴿١﴾ و آنگاه که ستارگان پراکنده شوند ﴿٢﴾ و آنگاه که دریاها

فُجِّرَتۡ ﴿٣﴾ وَإِذَا ٱلۡقُبُورُ بُعۡثِرَتۡ ﴿٤﴾ عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ
روان و درهم شوند ﴿٣﴾ و آنگاه که گورها زیرورو گردند ﴿٤﴾ بداند هر کسی آنچه را پیش فرستاده

وَأَخَّرَتۡ ﴿٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلۡكَرِيمِ ﴿٦﴾ ٱلَّذِي
و برجای نهاده است ﴿٥﴾ ای انسان چه چیز فریفته است تو را به پروردگارت که ارجمند است ﴿٦﴾ آن که

خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ ﴿٧﴾ فِيٓ أَيِّ صُورَةٖ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾
بیافرید تو را پس راست اندام کرد تو را و متعادل ساخت تو را ﴿٧﴾ در هر صورتی که خواست ترکیب داد تو را ﴿٨﴾

كَلَّا بَلۡ تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ ﴿٩﴾ وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ ﴿١٠﴾ كِرَامٗا
چنین نیست بلکه دروغ می شمرید روز جزا را ﴿٩﴾ و بی گمان بر شما گماشته شده اند نگهبانانی ﴿١٠﴾ بزرگوار

كَٰتِبِينَ ﴿١١﴾ يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ ﴿١٢﴾ إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٖ ﴿١٣﴾ وَإِنَّ
نویسندگانی ﴿١١﴾ می دانند آنچه را می کنید ﴿١٢﴾ هرآینه نیکوکاران در نعمتی [فراوان‌اند] ﴿١٣﴾ و همانا

ٱلۡفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٖ ﴿١٤﴾ يَصۡلَوۡنَهَا يَوۡمَ ٱلدِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمۡ عَنۡهَا بِغَآئِبِينَ
بدکاران در دوزخ اند ﴿١٤﴾ وارد آن می شوند به روز جزاء ﴿١٥﴾ و نیستند ایشان از آن ناپدید

﴿١٦﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ مَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ
﴿١٦﴾ و چه چیزی آگاهت کرد که چیست روز جزاء ﴿١٧﴾ باز چه چیزی آگاهت کرد که چیست روز جزاء

﴿١٨﴾ يَوۡمَ لَا تَمۡلِكُ نَفۡسٞ لِّنَفۡسٖ شَيۡـٔٗاۖ وَٱلۡأَمۡرُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ ﴿١٩﴾
﴿١٨﴾ روزی است که اختیار ندارد هیچ کس برای دیگری چیزی را و فرمان در آن روز از آنِ الله است ﴿١٩﴾

ترتیبها ۸۳

سُورَةُ المُطَفِّفِينَ

آیاتها ۳۶

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام الله مهر گسترِ مهربان

وَيۡلٞ لِّلۡمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكۡتَالُواْ عَلَى ٱلنَّاسِ يَسۡتَوۡفُونَ ﴿٢﴾
وای بر کم فروشان ﴿١﴾ آنانی که چون به پیمانه ستانند بر مردم به تمامی ستانند ﴿٢﴾

وَإِذَا كَالُوهُمۡ أَو وَّزَنُوهُمۡ يُخۡسِرُونَ ﴿٣﴾ أَلَا يَظُنُّ أُوْلَٰٓئِكَ أَنَّهُم
و چون به پیمانه دهند بدیشان یا به وزن دهند ایشان را کم می دهند ﴿٣﴾ آیا گمان نمی برند که آنان که بی گمان

مَّبۡعُوثُونَ ﴿٤﴾ لِيَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿٥﴾ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلنَّاسُ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٦﴾
برانگیخته شوند ﴿٤﴾ برای روزی بزرگ ﴿٥﴾ روزی که می ایستند مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان ﴿٦﴾

كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْفُجَّارِ لَفِى سِجِّينٍ (۷) وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا سِجِّينٌ (۸) كِتَٰبٌ
چنین نیست همانا نامهٔ[اعمال] بدکاران در سجین است (۷) و چه چیزی آگاهت کرد که چیست سجّین (۸) کتابی است

مَّرْقُومٌ (۹) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۰) ٱلَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ ٱلدِّينِ (۱۱)
نوشته شده (۹) وای در آن روز بر تکذیب کنندگان (۱۰) آنانی که تکذیب می کنند روز جزاء را (۱۱)

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِۦٓ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲) إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ
و تکذیب نمی کند آن را مگر هر تجاوزکنندهٔ گنهکار (۱۲) چون خوانده شود بر وی آیات ما گوید افسانه های

ٱلْأَوَّلِينَ (۱۳) كَلَّا ۖ بَلْ ۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ (۱۴) كَلَّآ إِنَّهُمْ
پیشینیان است (۱۳) چنین نیست بلکه زنگار زده است بر دل هایشان آنچه کسب می کردند (۱۴) چنین نیست همانا آنان

سکته لطیفه علی اللام

عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ (۱۵) ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا۟ ٱلْجَحِيمِ (۱۶) ثُمَّ يُقَالُ
از [رحمت] پروردگار خویش آن روز بازداشته اند (۱۵) پس همانا ایشان درخواهند آمد به دوزخ (۱۶) پس گفته می شود

هَٰذَا ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ (۱۷) كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْأَبْرَارِ لَفِى عِلِّيِّينَ
این است آنچه که شما آن را تکذیب می کردید (۱۷) هرگز چنین نیست همانا نامهٔ اعمال نیکوکاران در علیین است

(۱۸) وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا عِلِّيُّونَ (۱۹) كِتَٰبٌ مَّرْقُومٌ (۲۰) يَشْهَدُهُ ٱلْمُقَرَّبُونَ
(۱۸) و چه چیز آگاهت کرد که چیست علیون (۱۹) کتابی است نوشته شده (۲۰) شاهد هستند آن را مقرّبان

(۲۱) إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ (۲۲) عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ (۲۳) تَعْرِفُ فِى
(۲۱) همانا نیکوکاران در نعمتی [بزرگ] اند (۲۲) بر تخت ها نشسته نظاره می کنند (۲۳) می شناسی در

وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ ٱلنَّعِيمِ (۲۴) يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ (۲۵)
چهره هایشان شادابی نعمت را (۲۴) نوشانیده می شوند از شرابِ خالص سر به مهر (۲۵)

خِتَٰمُهُۥ مِسْكٌ ۚ وَفِى ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ ٱلْمُتَنَٰفِسُونَ (۲۶) وَمِزَاجُهُۥ
که مُهر آن مُشک است و در این گونه [نعمت] است که باید رقابت کنند رقابت کنندگان (۲۶) و آمیزهٔ آن

مِن تَسْنِيمٍ (۲۷) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا ٱلْمُقَرَّبُونَ (۲۸) إِنَّ ٱلَّذِينَ
از تسنیم است (۲۷) آن چشمه ای است که می نوشد از آن مقرّبان (۲۸) همانا کسانی که

أَجْرَمُوا۟ كَانُوا۟ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يَضْحَكُونَ (۲۹) وَإِذَا مَرُّوا۟ بِهِمْ
مجرم بودند به کسانی که ایمان داشتند می خندیدند (۲۹) و چون می گذشتند بر آنان

يَتَغَامَزُونَ (۳۰) وَإِذَا ٱنقَلَبُوٓا۟ إِلَىٰٓ أَهْلِهِمُ ٱنقَلَبُوا۟ فَكِهِينَ (۳۱)
[به تمسخر] چشمک می زدند (۳۰) و چون بازمی گشتند به سوی کسان خود بازمی گشتند شاد و سرمست (۳۱)

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوٓا۟ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ (۳۲) وَمَآ أُرْسِلُوا۟ عَلَيْهِمْ
و چون می دیدند ایشان را می گفتند قطعاً اینان گمراهان اند (۳۲) و حال آنکه فرستاده نشده بودند که بر آنان

حَٰفِظِينَ (۳۳) فَٱلْيَوْمَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنَ ٱلْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۳۴)
نگهبانی کنند (۳۳) پس امروز کسانی که ایمان آوردند به کافران می خندند (۳۴)

عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ﴿٣٥﴾ هَلْ ثُوِّبَ ٱلْكُفَّارُ مَا كَانُوا۟ يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾
درحالی که بر تخت ها [نشسته] و می نگرند (۳۵) آیا پاداش داده شدند کافران به آنچه که می کردند (۳۶)

ترتیبها ۸۴

سُورَةُ ٱلِانشِقَاقِ

آیاتها ۲۵

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام الله مهر گسترِ مهربان

إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنشَقَّتْ ﴿١﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا ٱلْأَرْضُ مُدَّتْ
آنگاه که آسمان بشکافد (۱) و فرمان بَرَد پروردگار خویش را و سزاوار [همین] گردد (۲) و آنگاه که زمین کشیده شود

سه چهارم حزب ۵۹

﴿٣﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا
(۳) و بیندازد زمین آنچه را در آن است و خالی گردد (۴) و فرمان بَرَد پروردگار خویش را و سزاوار [همین] گردد (۵) ای

ٱلْإِنسَٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَٰقِيهِ ﴿٦﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ
انسان همانا تو سخت کوشنده ای به سوی پروردگارت و به سختی پس او را ملاقات خواهی کرد (۶) پس اما کسی که داده شود

كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾ وَيَنقَلِبُ
نامهٔ اعمالش به دست راست او (۷) به زودی به حساب او رسیدگی می شود به آسانی (۸) و بازمی گردد

إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهْرِهِۦ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ
به نزد خانوادهٔ خود شادمانه (۹) و امّا کسی که داده شود به او نامهٔ اعمالش از پشت سرش (۱۰) پس

يَدْعُوا۟ ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿١٢﴾ إِنَّهُۥ كَانَ فِىٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾
می خواهد هلاکت را (۱۱) و درمی آید در آتشی افروخته (۱۲) چرا که او بود در میان کسانش شادمان (۱۳)

إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ﴿١٤﴾ بَلَىٰٓ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرًا ﴿١٥﴾ فَلَآ أُقْسِمُ
همانا او گمان می کرد که هرگز [به سوی الله] باز نخواهد گشت (۱۴) آری، [باز خواهد گشت] همانا پروردگارش به احوال او بیناست (۱۵) سوگند می خورم

بِٱلشَّفَقِ ﴿١٦﴾ وَٱلَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾ وَٱلْقَمَرِ إِذَا ٱتَّسَقَ ﴿١٨﴾
به سرخی شامگاه (۱۶) و سوگند می خورم به شب و آنچه در خود گرد آورد (۱۷) و سوگند به ماه آنگاه که کامل شود (۱۸)

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿١٩﴾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قُرِئَ
هر آینه خواهید رسید به حالی بعد از حالی (۱۹) پس چه شده است آنان را که ایمان نمی آورند (۲۰) و چون خوانده شود

عَلَيْهِمُ ٱلْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ ۩ ﴿٢١﴾ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يُكَذِّبُونَ
بر ایشان قرآن سجده نمی کنند (۲۱) بلکه آنان که کفر ورزیده اند [آن را] تکذیب می کنند

سجده مستحب

﴿٢٢﴾ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾
(۲۲) و الله داناتر است به آنچه در دل خود نگه می دارند (۲۳) پس بشارت بده ایشان را به عذابی دردناک (۲۴)

إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍۭ ﴿٢٥﴾
مگر آنانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته که برای ایشان پاداشی پایان ناپذیر است (۲۵)

ترتیبها ۸۵ | سُورَةُ البُرُوجِ | آیاتها ۲۲

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام الله مهر گستر مهربان

وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلۡبُرُوجِ ﴿١﴾ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡمَوۡعُودِ ﴿٢﴾ وَشَاهِدٖ وَمَشۡهُودٖ
سوگند به آسمان که دارای برج هاست ۱ سوگند به روز وعده داده شده ۲ سوگند به هر شاهد و مشهودی [در آن روز]

﴿٣﴾ قُتِلَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأُخۡدُودِ ﴿٤﴾ ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلۡوَقُودِ ﴿٥﴾ إِذۡ هُمۡ عَلَيۡهَا
۳ مرگ باد بر آن خندقیان ۴ [افروزندگان] آن آتش پر هیمه ۵ آنگاه که در کنار آن

قُعُودٞ ﴿٦﴾ وَهُمۡ عَلَىٰ مَا يَفۡعَلُونَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ شُهُودٞ ﴿٧﴾ وَمَا نَقَمُواْ
نشسته بودند ۶ و خود بر آنچه می آوردند برسر مؤمنان شاهد بودند ۷ عیب نگرفتند

مِنۡهُمۡ إِلَّآ أَن يُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ﴿٨﴾ ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ
بر آنها جز اینکه ایمان داشتند به الله پیروزمند ستوده ۸ آن که از آنِ اوست فرمانروایی

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ﴿٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
آسمان ها و زمین و الله بر هر چیزی گواه است ۹ همانا آنان که

فَتَنُواْ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَتُوبُواْ فَلَهُمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمۡ
شکنجه و آزار دادند مردان مؤمن و زنان با ایمان را سپس توبه نکردند پس برای آنان عذاب دوزخ است وبرای آنان است

عَذَابُ ٱلۡحَرِيقِ ﴿١٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ
عذاب آتش ۱۰ همانا آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته برای ایشان است

جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡكَبِيرُ ﴿١١﴾ إِنَّ بَطۡشَ
باغ هایی که می رود از زیر [درختان] آن جوی ها این است آن کامیابی بزرگ ۱۱ همانا گیروگرفت

رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾ إِنَّهُۥ هُوَ يُبۡدِئُ وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلۡوَدُودُ ﴿١٤﴾
پروردگارت بسیار سخت است ۱۲ همانا اوست که آغاز می کند و بازمی گرداند ۱۳ و اوست آن آمرزگار دوستدار [مؤمنان] ۱۴

ذُو ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡمَجِيدُ ﴿١٥﴾ فَعَّالٞ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾ هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلۡجُنُودِ
دارای عرش است و بلند جایگاه ۱۵ کننده است هرچه را خواهد ۱۶ آیا آمده است تو را خبر آن سپاهیان

﴿١٧﴾ فِرۡعَوۡنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي تَكۡذِيبٖ ﴿١٩﴾ وَٱللَّهُ مِن
۱۷ [سپاهیان] فرعون و ثمود ۱۸ [نه] بلکه آنانی که کفر ورزیدند در [نوعی] تکذیب اند ۱۹ و الله از

وَرَآئِهِم مُّحِيطُۢ ﴿٢٠﴾ بَلۡ هُوَ قُرۡءَانٞ مَّجِيدٞ ﴿٢١﴾ فِي لَوۡحٖ مَّحۡفُوظِۭ ﴿٢٢﴾
هر سوی ایشان احاطه کننده است ۲۰ بلکه این قرآنی است بلند جایگاه ۲۱ که در لوحی محفوظ است ۲۲

ترتیبها ۸۶ | سُورَةُ الطَّارِقِ | آیاتها ۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿۲﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿۳﴾ إِنْ كُلُّ
سوگند به آسمان و آن ستارهٔ شبگرد ﴿۱﴾ و چه چیزی آگاهت کرد که چیست ستارهٔ شبگرد ﴿۲﴾ ستاره ای است نافذ و درخشان ﴿۳﴾ نیست هیچ

نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿۴﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿۵﴾ خُلِقَ مِنْ مَاءٍ
کسی جز اینکه بر او نگهبانی است ﴿۴﴾ پس باید بنگرد انسان که از چه آفریده شده است ﴿۵﴾ آفریده شده از آبی

دَافِقٍ ﴿۶﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿۷﴾ إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿۸﴾
جهنده ﴿۶﴾ که بیرون می آید از میان پشت و استخوان های سینه ﴿۷﴾ همانا او بر بازگردانیدنش تواناست ﴿۸﴾

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿۹﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿۱۰﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿۱۱﴾
روزی که آشکار شود رازها ﴿۹﴾ پس نباشد او را هیچ نیرویی و نه یاری دهنده ای ﴿۱۰﴾ سوگند به آسمان برگرداننده ﴿۱۱﴾

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿۱۲﴾ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿۱۳﴾ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿۱۴﴾ إِنَّهُمْ
سوگند به زمین برشکافته [از گیاه] ﴿۱۲﴾ که این [قرآن] سخن جداکنندهٔ [حق از باطل] است ﴿۱۳﴾ و نیست آن هرگز شوخی ﴿۱۴﴾ همانا ایشان

يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿۱۵﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿۱۶﴾ فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا ﴿۱۷﴾
ترفند می زنند سخت ﴿۱۵﴾ و من نیز [دربارهٔ آنها] ترفند می زنم ترفند زدنی ﴿۱۶﴾ پس مهلت ده کافران را و فروگذار ایشان را چندی ﴿۱۷﴾

ترتیبها ۸۷ | سُورَةُ الأَعْلَىٰ | آیاتها ۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿۱﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿۲﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ حزب ۶۰
به پاکی بستای نام پروردگارت را که از همه برتر است ﴿۱﴾ آن که بیافرید پس درست اندام کرد ﴿۲﴾ و آن که اندازه گیری کرد و راه نمود

﴿۳﴾ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ ﴿۴﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ ﴿۵﴾ سَنُقْرِئُكَ
﴿۳﴾ و آن که برآورد [گیاه] چراگاه را ﴿۴﴾ پس گردانیدش خشک سیاه ﴿۵﴾ زودا که بر تو خوانیم [قرآن را]

فَلَا تَنْسَىٰ ﴿۶﴾ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ ﴿۷﴾ وَنُيَسِّرُكَ
پس فراموش نخواهی کرد ﴿۶﴾ مگر آنچه را که بخواهد الله همانا الله می داند آشکار را و آنچه را که پنهان می شود ﴿۷﴾ و آسان گردانیم تو را

لِلْيُسْرَىٰ ﴿۸﴾ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَىٰ ﴿۹﴾ سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَىٰ ﴿۱۰﴾
به آسان ترین [راه] ﴿۸﴾ پس پند بده اگر سود دهد پند دادن ﴿۹﴾ به زودی پند گیرد کسی که می ترسد ﴿۱۰﴾

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿۱۱﴾ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَىٰ ﴿۱۲﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ
و دوری می کند از آن بدبخت ترین [انسان] ﴿۱۱﴾ آن که درمی آید به بزرگ ترین آتش ﴿۱۲﴾ پس نه بمیرد

فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿۱۳﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ ﴿۱۴﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ ﴿۱۵﴾
در آن و نه زندگی کند ﴿۱۳﴾ هر آینه رستگاری یافت کسی که پاکی ورزید ﴿۱۴﴾ و یاد کرد نام پروردگار خود را و گذارد نماز را ﴿۱۵﴾

ترتیبها ۸۹ | سُورَةُ الفَجر | آیاتها ۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

وَالْفَجْرِ (۱) وَلَيَالٍ عَشْرٍ (۲) وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳) وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ

سوگند به سپیده دم (۱) و شب های ده گانه (۲) سوگند به جفت و طاق (۳) سوگند به شب آنگاه که می رود

(۴) هَلْ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ (۵) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ

(۴) آیا در اینها سوگندی [کافی] برای خردمند است (۵) آیا ندیدی که چه کرد پروردگار تو با قوم عاد

(۶) إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷) الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸)

(۶) [شهر] ارم که دارای ستون های بزرگ بود (۷) [شهری] که آفریده نشده بود مانندش در تمام سرزمین ها (۸)

وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹) وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (۱۰)

و [قوم] ثمود آنان که تراشیدند سنگ ها را در آن دره (۹) و فرعون دارای میخ ها [یا اهرام] (۱۰)

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱) فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (۱۲) فَصَبَّ

آنان که سرکشی کردند در سرزمین ها (۱۱) پس بسیار در آن ها فساد کردند (۱۲) پس فروریخت

عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳) إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (۱۴) فَأَمَّا

بر ایشان پروردگار تو تازیانه عذاب را (۱۳) همانا پروردگار تو در کمین است (۱۴) پس امّا

الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ

آدمی چون آزماید او را پروردگارش و گرامی اش دارد و نعمت دهد به او پس می گوید پروردگار من گرامی داشت مرا

(۱۵) وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶)

(۱۵) و امّا وقتی که امتحان کند او را و تنگ سازد بر وی روزی او را پس می گوید پروردگار من خوار کرد مرا (۱۶)

كَلَّا بَل لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷) وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ

نه، چنین نیست بلکه گرامی نمی دارید یتیم را (۱۷) و ترغیب نمی کنید یکدیگر را بر خوراک دادن

الْمِسْكِينِ (۱۸) وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا (۱۹)

بینوا (۱۸) و می خورید میراث [یتیمان] را خوردنی یکجا (۱۹)

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰) كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا

و دوست می دارید مال را دوستی ای بسیار (۲۰) چنین نباید کرد آنگاه که درهم کوبیده شد زمین به شدّت

دَكًّا (۲۱) وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲) وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ

درهم کوبیدنی (۲۱) و بیاید پروردگار تو و فرشتگان صف به صف (۲۲) و آورده شود آن روز

بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ (۲۳)

دوزخ آن روز یاد خواهد کرد انسان ولی کجا [سودمند افتد] او را این یاد کردن (۲۳)

يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي قَدَّمۡتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُۥٓ أَحَدٞ ﴿٢٥﴾
گوید ای کاش چیزی پیش می فرستادم برای زندگانی [امروز] خویش ﴿۲۴﴾ پس آن روز عذاب نکند مانند عذاب او را هیچ کس ﴿۲۵﴾

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُۥٓ أَحَدٞ ﴿٢٦﴾ يَٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفۡسُ ٱلۡمُطۡمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ٱرۡجِعِيٓ
و به بند نمی کشد مانند بندکشیدن او را هیچ کس ﴿۲۶﴾ ای نفس آرام ﴿۲۷﴾ بازگرد

إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةٗ مَّرۡضِيَّةٗ ﴿٢٨﴾ فَٱدۡخُلِي فِي عِبَٰدِي ﴿٢٩﴾ وَٱدۡخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾
به سوی پروردگارت خوشنود پسندیده ﴿۲۸﴾ پس داخل شو در میان بندگان من ﴿۲۹﴾ و داخل در بهشت من ﴿۳۰﴾

ترتیبها ۹۰ — سُورَةُ ٱلۡبَلَدِ — آیاتها ۲۰

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام الله مهر گستر مهربان

ربع حزب ۶۰

لَآ أُقۡسِمُ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ﴿١﴾ وَأَنتَ حِلُّۢ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ﴿٢﴾ وَوَالِدٖ وَمَا وَلَدَ
سوگند می خورم به این سرزمین ﴿۱﴾ درحالی که تو ساکنی در این سرزمین ﴿۲﴾ سوگند به پدر و فرزندی که پدید آورد

﴿٣﴾ لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾ أَيَحۡسَبُ أَن لَّن يَقۡدِرَ عَلَيۡهِ
﴿۳﴾ هر آینه آفریدیم انسان را در رنج ﴿۴﴾ آیا می پندارد که هرگز چیرگی نیابد بر وی

أَحَدٞ ﴿٥﴾ يَقُولُ أَهۡلَكۡتُ مَالٗا لُّبَدًا ﴿٦﴾ أَيَحۡسَبُ أَن لَّمۡ يَرَهُۥٓ أَحَدٌ
هیچ کس ﴿۵﴾ می گوید تباه کردم دارایی هنگفتی را ﴿۶﴾ آیا می پندارد که ندیده است او را هیچ کس

﴿٧﴾ أَلَمۡ نَجۡعَل لَّهُۥ عَيۡنَيۡنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانٗا وَشَفَتَيۡنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيۡنَٰهُ
﴿۷﴾ آیا قرار نداده ایم برای او دو چشم را ﴿۸﴾ و یک زبان و دو لب را ﴿۹﴾ و راه نمودیم او را

ٱلنَّجۡدَيۡنِ ﴿١٠﴾ فَلَا ٱقۡتَحَمَ ٱلۡعَقَبَةَ ﴿١١﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡعَقَبَةُ ﴿١٢﴾
به دو راه [خیر و شر] ﴿۱۰﴾ پس نگذشته است از گردنه ﴿۱۱﴾ و چه چیزی آگاهت کرد که چیست آن گردنه ﴿۱۲﴾

فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾ أَوۡ إِطۡعَٰمٞ فِي يَوۡمٖ ذِي مَسۡغَبَةٖ ﴿١٤﴾ يَتِيمٗا ذَا مَقۡرَبَةٍ
آزاد کردن برده ای است ﴿۱۳﴾ یا طعام دادن در روز گرسنگی ﴿۱۴﴾ به یتیمی که خویشاوند است

﴿١٥﴾ أَوۡ مِسۡكِينٗا ذَا مَتۡرَبَةٖ ﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَوَاصَوۡاْ
﴿۱۵﴾ یا بینوایی خاک نشین ﴿۱۶﴾ سپس باشد از کسانی که ایمان آورده اند و سفارش کردند همدیگر را

بِٱلصَّبۡرِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡمَرۡحَمَةِ ﴿١٧﴾ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ ﴿١٨﴾ وَٱلَّذِينَ
به صبر و سفارش کردند همدیگر را به مهربانی ﴿۱۷﴾ آنان اند اهل خوشبختی ﴿۱۸﴾ و کسانی که

كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا هُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡـَٔمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيۡهِمۡ نَارٞ مُّؤۡصَدَةُۢ ﴿٢٠﴾
کفر ورزیدند به آیات ما ایشان اند اهل بدبختی ﴿۱۹﴾ بر ایشان است آتشی سرپوشیده و دربسته ﴿۲۰﴾

ترتیبها ۹۱ — سُورَةُ ٱلشَّمۡسِ — آیاتها ۱۵

بَلْ تُؤْثِرُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَٱلْـَٔاخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰٓ ﴿١٧﴾ إِنَّ
بلکه ترجیح می دهید زندگانی دنیا را ﴿١٦﴾ درحالی که آخرت بهتر و پایدارتر است ﴿١٧﴾ همانا

هَٰذَا لَفِي ٱلصُّحُفِ ٱلْأُولَىٰ ﴿١٨﴾ صُحُفِ إِبْرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ ﴿١٩﴾
این [سختان] قطعا در صحیفه های پیشینیان [نیز] هست ﴿١٨﴾ صحیفه های ابراهیم و موسی ﴿١٩﴾

سُورَةُ ٱلْغَاشِيَةِ

ترتیبها ۸۸ — آیاتها ۲۶

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام الله مهر گستر مهربان

هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلْغَٰشِيَةِ ﴿١﴾ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ ﴿٢﴾
آیا به تو رسیده است داستان آن [واقعه] فراگیرنده ﴿١﴾ چهره هایی در آن روز خوار و زبون است ﴿٢﴾

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ﴿٣﴾ تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾ تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ ءَانِيَةٍ ﴿٥﴾
کوشندهٔ رنج کشیده ﴿٣﴾ درآیند به آتشی سوزان ﴿٤﴾ نوشانده شوند از چشمه ای جوشان ﴿٥﴾

لَّيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ ﴿٦﴾ لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِن جُوعٍ ﴿٧﴾
نیست ایشان را خوراکی مگر از گیاهی خاردار ﴿٦﴾ که نه فربه کند و نه بازمی دارد از گرسنگی ﴿٧﴾

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ﴿٨﴾ لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ﴿٩﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١٠﴾
چهره هایی در آن روز شاداب و تازه اند ﴿٨﴾ به کوشش خویش خشنودند ﴿٩﴾ در بهشتی والا ﴿١٠﴾

لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَٰغِيَةً ﴿١١﴾ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿١٢﴾ فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ﴿١٣﴾
نمی شنوند در آن سخن بیهوده را ﴿١١﴾ در آن چشمه ای جاری است ﴿١٢﴾ در آن تخت های برافراشته ﴿١٣﴾

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ ﴿١٤﴾ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿١٥﴾ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ﴿١٦﴾
و تُنگ هایی نهاده شده ﴿١٤﴾ و بالش های کنار هم چیده ﴿١٥﴾ و فرش هایی گسترده ﴿١٦﴾

أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى ٱلْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾ وَإِلَى ٱلسَّمَآءِ كَيْفَ
آیا پس نمی نگرند به شتران که چگونه آفریده شده اند ﴿١٧﴾ و به آسمان که چگونه

رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ وَإِلَى ٱلْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ وَإِلَى ٱلْأَرْضِ كَيْفَ
برافراشته شده است ﴿١٨﴾ و به کوه ها که چگونه نصب شده اند ﴿١٩﴾ و به زمین که چگونه

سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾ لَّسْتَ عَلَيْهِم
گسترده شده است ﴿٢٠﴾ پس پند ده جز این نیست که تو پند دهنده ای ﴿٢١﴾ نیستی تو بر ایشان

بِمُصَيْطِرٍ ﴿٢٢﴾ إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾ فَيُعَذِّبُهُ ٱللَّهُ ٱلْعَذَابَ
مسلط ﴿٢٢﴾ مگر کسی که روبگرداند و کافر شود ﴿٢٣﴾ پس عذاب می کند او را الله به عذاب

ٱلْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ إِلَيْنَآ إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم ﴿٢٦﴾
بزرگ تر ﴿٢٤﴾ همانا به سوی ماست بازگشت ایشان ﴿٢٥﴾ پس همانا بر عهدهٔ ماست حساب شان ﴿٢٦﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام الله ی مهر گسترِ مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿١﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ﴿٢﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ﴿٣﴾

سوگند به آفتاب و روشنی آن ﴿١﴾ و به ماه چون از پی آن درآید ﴿٢﴾ و به روز چون آن[آفتاب] را جلوه گر سازد ﴿٣﴾

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا

و به شب چون آن را بپوشاند ﴿٤﴾ و به آسمان و آن که بنا کرد آن را ﴿٥﴾ و به زمین و آن که هموار کرد آن را

﴿٦﴾ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾ قَدْ

﴿٦﴾ و به نفس آدمی و آن که درست اندام کرد آن را ﴿٧﴾ پس الهام کرد به او بدکاری او وتقوایش را ﴿٨﴾ هر آینه

أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿١٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ

رستگار شد هر کس که نفس را پاکیزه داشت ﴿٩﴾ و هر آینه نومید گشت کسی که نفس را به گناه آلود ﴿١٠﴾ تکذیب نمودند قوم ثمود [پیامبران را]

بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ

به سبب سرکشی خود ﴿١١﴾ آنگاه که به پاخواست بدبخت ترین آنها ﴿١٢﴾ پس گفت به آنان پیامبر الله

نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ

وانهید شتر الله و نوبت آب آن را ﴿١٣﴾ پس تکذیب کردند او را پس پی کردند آن را پس خشم گرفت

عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾

بر ایشان پروردگارشان به سبب گناه شان و با خاک یکسان کرد آنها را ﴿١٤﴾ و بیمی نداشت از فرجام آن ﴿١٥﴾

سُورَةُ اللَّيْلِ

ترتیبها ۹۲ — آیاتها ۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ﴿١﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ﴿٢﴾ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ ﴿٣﴾

سوگند به شب چون [روز را] بپوشاند ﴿١﴾ و به روز چون جلوه کند ﴿٢﴾ و به آن که آفرید نر و ماده را ﴿٣﴾

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ﴿٤﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٦﴾

همانا کوششتان گوناگون است ﴿٤﴾ پس امّا آن که بخشش کند و پرهیزکاری کند ﴿٥﴾ و تصدیق نماید نیکوترین [پاداش الهی] را ﴿٦﴾

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ

پس آماده می سازیم او را برای آسان ترین [راه] را ﴿٧﴾ و امّا آن که بخل ورزید و خود را [از الله] بی نیاز دانست ﴿٨﴾ و تکذیب کرد نیکوترین [پاداش الهی] را

﴿٩﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ﴿١٠﴾ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ﴿١١﴾ إِنَّ عَلَيْنَا

﴿٩﴾ پس آماده می سازیم او را برای دشوارترین [راه] ﴿١٠﴾ و به کار او نیاید مالش آنگاه که هلاک شود ﴿١١﴾ بی گمان بر عهدهٔ ماست

لَلْهُدَىٰ ﴿١٢﴾ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ﴿١٣﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ﴿١٤﴾

هدایت ﴿١٢﴾ و بی گمان از آنِ ماست آخرت و دنیا ﴿١٣﴾ پس هشدار دادم شما را از آتشی که زبانه می کشد ﴿١٤﴾

لَا يَصْلَىٰهَآ إِلَّا ٱلْأَشْقَى ﴿۱۵﴾ ٱلَّذِى كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿۱۶﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا

داخل آن نمی گردد مگر بدبخت ترین مردم ﴿۱۵﴾ آن که تکذیب نماید و روی گرداند ﴿۱۶﴾ و دور داشته می شود از آن

ٱلْأَتْقَى ﴿۱۷﴾ ٱلَّذِى يُؤْتِى مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ ﴿۱۸﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن

پرهیزکارترین ﴿۱۷﴾ آن که می دهد مال خود را که پاک و پیراسته گردد ﴿۱۸﴾ و نیست برای هیچ کس نزد او [حقّ] از

نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰٓ ﴿۱۹﴾ إِلَّا ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِ ٱلْأَعْلَىٰ ﴿۲۰﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ﴿۲۱﴾

نعمتی که آن را پاداش دهد ﴿۱۹﴾ مگر طلب خوشنودی پروردگار خویش که بلند مرتبه تر است ﴿۲۰﴾ و به زودی [به پاداش الله] خوشنود خواهد شد ﴿۲۱﴾

ترتیبها ۹۳

سورة الضحى

آیاتها ۱۱

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

وَٱلضُّحَىٰ ﴿۱﴾ وَٱلَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ﴿۲﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ﴿۳﴾

سوگند به روشنایی روز ﴿۱﴾ و به شب چون درآید و آرام گیرد ﴿۲﴾ تو را رها نکرده است پروردگارت و دشمن نداشته است ﴿۳﴾

وَلَلْءَاخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ ٱلْأُولَىٰ ﴿۴﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ

و هر آینه آخرت بهتر است برای تو از دنیا ﴿۴﴾ و به زودی عطاء خواهد نمود به تو پروردگارت

فَتَرْضَىٰٓ ﴿۵﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَـَٔاوَىٰ ﴿۶﴾ وَوَجَدَكَ ضَآلًّا

پس خوشنود شوی ﴿۵﴾ آیا نیافت تو را یتیم و پناه داد ﴿۶﴾ و یافت تو را سرگردان [و راه گم کرده]

فَهَدَىٰ ﴿۷﴾ وَوَجَدَكَ عَآئِلًا فَأَغْنَىٰ ﴿۸﴾ فَأَمَّا ٱلْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

پس راه نمود ﴿۷﴾ و یافت تو را نیازمند پس توانگر ساخت ﴿۸﴾ پس امّا یتیم را خوار و رانده مساز

﴿۹﴾ وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿۱۰﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿۱۱﴾

﴿۹﴾ و امّا سائل را به تندی مران ﴿۱۰﴾ و امّا نعمت پروردگارت را بازگو کن ﴿۱۱﴾

ترتیبها ۹۴

سورة الشرح

آیاتها ۸

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

نصف حزب ۶۰

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿۱﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿۲﴾ ٱلَّذِىٓ

آیا نگشودیم برای تو سینه ات را [صبر فراوان به تو ندادیم] ﴿۱﴾ و فرونهادیم از تو بار گرانت را ﴿۲﴾ که

أَنقَضَ ظَهْرَكَ ﴿۳﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿۴﴾ فَإِنَّ مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا ﴿۵﴾ إِنَّ

خم کرده بود پشت تو را ﴿۳﴾ و بالا بردیم برای تو آوازه ات را ﴿۴﴾ پس همانا با دشواری آسانی است ﴿۵﴾ همانا

مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا ﴿۶﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَٱنصَبْ ﴿۷﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرْغَب ﴿۸﴾

با دشواری آسانی است ﴿۶﴾ پس هرگاه [از کاری] فارغ شدی [در کار دیگر] بکوش ﴿۷﴾ و به سوی پروردگارت روی آور ﴿۸﴾

ترتيبها ۹۵ | سورة التين | آياتها ۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾

سوگند به انجیر و زیتون ۱ و به طور سینا ۲ و این سرزمین امن و امان ۳

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ

هر آینه آفریدیم آدمی را در نیکوترین ساختار [و اعتدال] ۴ سپس [در اثر گناه] بازگردانیدیم او را به مرحلهٔ پست ترین پست تران

﴿٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾

۵ مگر کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته پس برای ایشان است پاداشی پایان ناپذیر ۶

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ﴿٧﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾

پس چه چیز وامی دارد تو را بعد [از این] به تکذیب روز جزا ۷ آیا نیست الله حاکم ترین حاکمان ۸

ترتيبها ۹۶ | سورة العلق | آياتها ۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ اقْرَأْ وَرَبُّكَ

بخوان به نام پروردگارت آن که آفرید ۱ آفرید انسان را از خونی بسته ۲ بخوان و پروردگار تو

الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾ كَلَّا إِنَّ

گرامی ترین است ۳ آن که آموخت به انسان به واسطهٔ قلم ۴ آموخت به انسان چیزهایی را که نمی دانست ۵ چنان نیست همانا

الْإِنسَانَ لَيَطْغَىٰ ﴿٦﴾ أَن رَّآهُ اسْتَغْنَىٰ ﴿٧﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ﴿٨﴾ أَرَأَيْتَ

انسان سرکشی می کند ۶ همین که بیند خود را که بی نیازشد ۷ همانا به سوی پروردگار توست بازگشت [همگان] ۸ آیا دیدی

الَّذِي يَنْهَىٰ ﴿٩﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ﴿١٠﴾ أَرَأَيْتَ إِن كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ﴿١١﴾ أَوْ أَمَرَ

آن را که بازمی دارد ۹ بنده ای را چون نماز گزارد ۱۰ چه بینی اگر باشد بر راه راست ۱۱ یا فرمان دهد

بِالتَّقْوَىٰ ﴿١٢﴾ أَرَأَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِن

به پرهیزکاری [باز او را بازمی داری] ۱۲ چه بینی اگر تکذیب کند و روی بگرداند ۱۳ آیا ندانسته که الله می بیند ۱۴ هرگز اگر

لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ

بازنایستد ما خواهیم کشید [او را] به موی پیشانی ۱۵ موی پیشانی دروغگوی خطاکار ۱۶ پس بخواند انجمن خود را [به یاری]

﴿١٧﴾ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِب ۩ ﴿١٩﴾ سجده واجب

۱۷ ما هم می خوانیم دوزخ بانان را ۱۸ نه، هرگز او را اطاعت مکن و سجده کن و تقرّب بجوی ۱۹

ترتیبها ۹۷ — سُورَةُ القَدْرِ — آیاتها ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
به نام الله مهر گستر مهربان

إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا لَيْلَةُ ٱلْقَدْرِ ﴿٢﴾
همانا فروفرستادیم[آن] قرآن را در شب قدر (۱) و چه چیزی آگاهت کرد که چیست شب قدر (۲)

لَيْلَةُ ٱلْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنَزَّلُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ
شب قدر بهتر است از هزار ماه (۳) فرود می آیند فرشتگان و روح

فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَٰمٌ هِىَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ ٱلْفَجْرِ ﴿٥﴾
در آن[شب] به اذن پروردگارشان برای هر کاری (۴) سلامتی است آن شب تا دمیدن سپیدهٔ صبح (۵)

ترتیبها ۹۸ — سُورَةُ البَيِّنَةِ — آیاتها ۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
به نام الله مهر گستر مهربان

لَمْ يَكُنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْمُشْرِكِينَ مُنفَكِّينَ
نبودند کسانی که کفر ورزیدند از اهل کتاب و مشرکان جداشونده[از این خود]

حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ ٱلْبَيِّنَةُ ﴿١﴾ رَسُولٌ مِّنَ ٱللَّهِ يَتْلُوا۟ صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿٢﴾
تا اینکه بیامد برای آنان آن دلیل آشکار (۱) پیامبری از جانب الله که می خواند صحیفه های پاک را (۲)

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ ﴿٣﴾ وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ
در آن [صحیفه‌ها] نوشته هایی استواروارزشمند است (۳) و پراکنده نشدند آنان که کتاب بدیشان داده شد مگر پس

بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾ وَمَآ أُمِرُوٓا۟ إِلَّا لِيَعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ
از آنکه آمد برای آنان آن دلیل آشکار (۴) و دستور نیافتند مگر آنکه بپرستند الله را درحالی که خالص کنند

لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ ۚ وَذَٰلِكَ دِينُ
برای او عبادت را در حالی که حقگرا باشند و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را و این است دین

ٱلْقَيِّمَةِ ﴿٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْمُشْرِكِينَ
استوار (۵) همانا آنان که کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان

فِى نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ شَرُّ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾ إِنَّ
در آتش دوزخ باشند جاویدان در آنجا ایشان همان بدترین آفریدگانند (۶) بی گمان

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾
آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته ایشان همان بهترین آفریدگانند (۷)

جَزَآؤُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ

پاداششان نزد پروردگارشان بهشت های جاویدی است که روان است از زیر [درختان] آن جوی ها جاویدان باشند

فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ رَبَّهُۥ ﴿٨﴾

در آن همیشه خوشنود است الله از ایشان و خوشنود شوند آنها از او این پاداش برای کسی است که می‌ترسد از پروردگارش (۸)

ترتیبها ۹۹ — سورة الزلزلة — آیاتها ۸

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخۡرَجَتِ ٱلۡأَرۡضُ أَثۡقَالَهَا

آنگاه که به لرزه انداخته شود زمین به لرزش سختش (۱) و بیرون آورد زمین بارهای سنگین خود را

﴿٢﴾ وَقَالَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا لَهَا ﴿٣﴾ يَوۡمَئِذٖ تُحَدِّثُ أَخۡبَارَهَا ﴿٤﴾

(۲) و گوید انسان چه شده است آن را (۳) در آن روز بازگو می کند خبرهای خود را (۴)

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوۡحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾ يَوۡمَئِذٖ يَصۡدُرُ ٱلنَّاسُ أَشۡتَاتٗا

زیرا پروردگار تو وحی کرده است به آن (۵) آن روز بازگردند مردمان گروه گروه

لِّيُرَوۡاْ أَعۡمَٰلَهُمۡ ﴿٦﴾ فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا

تا نموده شود به ایشان [پاداش] کردارشان (۶) پس هر کس بکند هموزن ذرّه ای کار خیری

يَرَهُۥ ﴿٧﴾ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ ﴿٨﴾

آن را می بیند (۷) و هر کس بکند هموزن ذرّه ای کار بدی آن را می بیند (۸)

ترتیبها ۱۰۰ — سورة العاديات — آیاتها ۱۱

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

وَٱلۡعَٰدِيَٰتِ ضَبۡحٗا ﴿١﴾ فَٱلۡمُورِيَٰتِ قَدۡحٗا ﴿٢﴾ فَٱلۡمُغِيرَٰتِ صُبۡحٗا

سوگند به آن اسبان دونده نَفَس زنان (۱) و آن اسبان بر جهانندهٔ آتش با زدن [سم بر زمین] (۲) و به اسبان یورش برنده در بامداد

﴿٣﴾ فَأَثَرۡنَ بِهِۦ نَقۡعٗا ﴿٤﴾ فَوَسَطۡنَ بِهِۦ جَمۡعًا ﴿٥﴾ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ

(۳) که برمی انگیزانند در آن هنگام غباری را (۴) و در آیند در آن هنگام در میان جمعی (۵) همانا آدمی

لِرَبِّهِۦ لَكَنُودٞ ﴿٦﴾ وَإِنَّهُۥ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٞ ﴿٧﴾ وَإِنَّهُۥ لِحُبِّ

در برابر پروردگارش بس ناسپاس است (۶) و همانا او بر این [ناسپاسی] خوب گواه است (۷) و همانا او در دوستی

ٱلۡخَيۡرِ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾ ۞ أَفَلَا يَعۡلَمُ إِذَا بُعۡثِرَ مَا فِي ٱلۡقُبُورِ ﴿٩﴾

مال بسی سرسخت است (۸) آیا نمی داند آن هنگام که بر انگیخته شود آنچه در قبرهاست (۹)

سه چهارم حزب ۶۰

وَحُصِّلَ مَا فِي ٱلصُّدُورِ ﴿١٠﴾ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرُۢ ﴿١١﴾
و آشکار [و مشخص] شود آنچه در سینه هاست ﴿۱۰﴾ همانا پروردگارشان به ایشان در آن روز قطعاً آگاه است ﴿۱۱﴾

سُورَةُ القَارِعَةِ

ترتیبها ۱۰۱ — آیاتها ۱۱

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

ٱلۡقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا ٱلۡقَارِعَةُ ﴿٢﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡقَارِعَةُ
آن رویداد کوبنده ﴿۱﴾ چیست آن رویداد کوبنده ﴿۲﴾ و چه چیزی آگاهت کرد که چیست آن رویداد کوبنده

﴿٣﴾ يَوۡمَ يَكُونُ ٱلنَّاسُ كَٱلۡفَرَاشِ ٱلۡمَبۡثُوثِ ﴿٤﴾
﴿۳﴾ روزی که می شوند مردم مانند پروانه های پراکنده ﴿۴﴾

وَتَكُونُ ٱلۡجِبَالُ كَٱلۡعِهۡنِ ٱلۡمَنفُوشِ ﴿٥﴾ فَأَمَّا
و می شوند کوه ها مانند پشمِ رنگین حلاجی شده ﴿۵﴾ و امّا

مَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ ﴿٦﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ
هر کس که سنگین شود کفّه های [اعمال] او ﴿۶﴾ پس او در زندگانی پسندیده خواهد بود

﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنۡ خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ ﴿٨﴾ فَأُمُّهُۥ هَاوِيَةٞ
﴿۷﴾ و امّا هر کس که سبک شود کفّه های [اعمال] او ﴿۸﴾ پس جایگاهش هاویه است

﴿٩﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا هِيَهۡ ﴿١٠﴾ نَارٌ حَامِيَةُۢ ﴿١١﴾
﴿۹﴾ و چه چیزی آگاهت کرد که چیست آن[هاویه] ﴿۱۰﴾ آتشی است بس گرم و سوزان ﴿۱۱﴾

سُورَةُ التَّكَاثُرِ

ترتیبها ۱۰۲ — آیاتها ۸

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

أَلۡهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّىٰ زُرۡتُمُ ٱلۡمَقَابِرَ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوۡفَ
سرگرم ساخت شما را زیاده خواهی ﴿۱﴾ تا آنکه دیدار کردید قبرها را ﴿۲﴾ هرگز [چنین نیست] به زودی

تَعۡلَمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوۡ تَعۡلَمُونَ
خواهید دانست ﴿۳﴾ باز چنین نیست به زودی خواهید دانست ﴿۴﴾ هرگز [چنین نیست] اگر می دانستید[حقیقت را]

عِلۡمَ ٱلۡيَقِينِ ﴿٥﴾ لَتَرَوُنَّ ٱلۡجَحِيمَ ﴿٦﴾ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا
علم یقین[سرگرم نمی شدید] ﴿۵﴾ هر آینه خواهید دید دوزخ را ﴿۶﴾ سپس خواهید دید آن را

عَيۡنَ ٱلۡيَقِينِ ﴿٧﴾ ثُمَّ لَتُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٨﴾
به دیده یقین ﴿۷﴾ آنگاه قطعاً پرسیده خواهید شد در آن روز از نعمت [ها] ﴿۸﴾

ترتیبها ۱۰۳ | آیاتها ۳

سورة العصر

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله مهر گستر مهربان

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا

سوگند به عصر (۱) همانا انسان در زیانکاری است (۲) مگر آنان که ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

و کردند کارهای شایسته و سفارش نموده اند یکدیگر را به حق و سفارش نموده اند یکدیگر را به شکیبایی (۳)

ترتیبها ۱۰۴ | آیاتها ۹

سورة الهمزة

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله مهر گستر مهربان

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿٢﴾

وای بر هر طعنه زنندهٔ عیب جو (۱) آن که گرداورد مالی را و شمرد آن را (۲)

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ﴿٣﴾ كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾

می پندارد همانا مالش جاوید می سازد او را (۳) نه هرگز [چنین نیست] هر آینه افکنده می شود او در حطمه (۴)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٥﴾ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ﴿٦﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ

و چه چیزی آگاهت کرد که چیست حطمه (۵) آتش افروختهٔ الله است (۶) آنکه مسلّط می شود

عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿٧﴾ إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّؤْصَدَةٌ ﴿٨﴾ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ﴿٩﴾

بر دل ها (۷) همانا آن بر ایشان دربسته [و فروپوشیده] است (۸) در ستون های [دراز و] کشیده شده (۹)

ترتیبها ۱۰۵ | آیاتها ۵

سورة الفيل

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله مهر گستر مهربان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ

آیا ندیدی چه کرد پروردگار تو با فیلداران (۱) آیا قرار نداد ترفندشان را

فِي تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾ تَرْمِيهِم

در تباهی [و بی حاصلی] (۲) و فرستاد بر آنان پرندگانی را گروه گروه (۳) می افکندند بر آنان

بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ﴿٥﴾

سنگ‌هایی از سنگ گل (۴) پس گردانید آنان را مانند کاه خورده شده (۵)

ترتیبها ۱۰۶

سُورَةُ قُرَيْشٍ

آیاتها ۴

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

لِإِيلَٰفِ قُرَيْشٍ ﴿١﴾ إِۦلَٰفِهِمْ رِحْلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيْفِ

برای الفت قریش ۱ همان الفتشان به کوچیدن [در] زمستان و تابستان

﴿٢﴾ فَلْيَعْبُدُوا۟ رَبَّ هَٰذَا ٱلْبَيْتِ ﴿٣﴾ ٱلَّذِىٓ أَطْعَمَهُم

۲ پس باید بپرستند پروردگار این خانه را ۳ آن که خوراک داد ایشان را

مِّن جُوعٍ وَءَامَنَهُم مِّنْ خَوْفٍۭ ﴿٤﴾

در گرسنگی و ایمن ساخت ایشان را از ترس [و ناامنی] ۴

ترتیبها ۱۰۷

سُورَةُ ٱلْمَاعُونِ

آیاتها ۷

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

أَرَءَيْتَ ٱلَّذِى يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ ﴿١﴾ فَذَٰلِكَ ٱلَّذِى

آیا دیدی آن کس را که تکذیب می کند [روز] جزاء را ۱ پس او همان کسی است که

يَدُعُّ ٱلْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ ﴿٣﴾

به تندی می راند یتیم را ۲ و ترغیب نمی کند بر خوراک دادن بینوا ۳

فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ ٱلَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

پس وای بر نمازگزاران ۴ آنان که خود از نمازشان غافل اند

﴿٥﴾ ٱلَّذِينَ هُمْ يُرَآءُونَ ﴿٦﴾ وَيَمْنَعُونَ ٱلْمَاعُونَ ﴿٧﴾

۵ آنان که خود ریاکاری می کنند ۶ و خودداری می کنند [از] عاریه دادن چیزی که مورد نیاز مردم است ۷

ترتیبها ۱۰۸

سُورَةُ ٱلْكَوْثَرِ

آیاتها ۳

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

إِنَّآ أَعْطَيْنَٰكَ ٱلْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنْحَرْ ﴿٢﴾

همانا بخشیدیم به تو خیر کثیر را ۱ پس نماز بگزار برای پروردگارت و قربانی کن ۲

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

بی گمان دشمن کینه توز تو خود بی دنباله است ۳

ترتیبها ۱۰۹

سُورَةُ الكَافِرُونَ

آیاتها ۶

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ۝١ لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ۝٢

بگو ای کافران ۱ نمی پرستم آنچه را شما می پرستید ۲

وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ۝٣ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ ۝٤

و نه شما پرستنده اید آنچه را که من می پرستم ۳ و نه من پرستنده ام آنچه را شما می پرستید ۴

وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ۝٥ لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ۝٦

و نه شما پرستنده اید آنچه را که من می پرستم ۵ برای شما دین شما و برای من دین من ۶

ترتیبها ۱۱۰

سُورَةُ النَّصۡرِ

آیاتها ۳

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ ۝١ وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ

آنگاه که بیاید یاری الله و پیروزی ۱ و ببینی مردمان را

يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا ۝٢ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ

که درآیند در دین الله گروه گروه ۲ پس به پاکی بستای همراه با ستایش پروردگارت

وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا ۝٣

و آمرزش خواه از او بی گمان او هست بسیار توبه پذیر ۳

ترتیبها ۱۱۱

سُورَةُ المَسَدِ

آیاتها ۵

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

تَبَّتۡ يَدَآ أَبِي لَهَبٖ وَتَبَّ ۝١ مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُ مَالُهُۥ وَمَا

نابود [و بریده] باد دو دست ابی لهب و نابود باد [او] ۱ هیچ سودی برایش نداشت مالش و آنچه

كَسَبَ ۝٢ سَيَصۡلَىٰ نَارٗا ذَاتَ لَهَبٖ ۝٣ وَٱمۡرَأَتُهُۥ

کسب کرده ۲ به زودی درآید در آتشی شعله ور ۳ و زن او [نیز به آتش درآید]

حَمَّالَةَ ٱلۡحَطَبِ ۝٤ فِي جِيدِهَا حَبۡلٞ مِّن مَّسَدِۭ ۝٥

آن هیزم کش [آتش افروز] ۴ که در گردنش ریسمانی [تافته] از لیف خرما است ۵

ترتیبها ۱۱۲ — سُورَةُ الإخلاص — آیاتها ۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
به نام الله مهر گسترِ مهربان

قُلْ	هُوَ	ٱللَّهُ	أَحَدٌ	(۱)	ٱللَّهُ	ٱلصَّمَدُ	(۲)	لَمْ يَلِدْ
بگو	حقیقت این است که	الله	یگانه است	۱	الله	بی نیاز است	۲	نزاده

وَلَمْ يُولَدْ	(۳)	وَلَمْ يَكُن	لَّهُۥ	كُفُوًا	أَحَدٌۢ	(۴)
و زاییده نشده است	۳	و نبوده [و نیست]	برای او	به همتایی	هیچ کس	۴

ترتیبها ۱۱۳ — سُورَةُ الفلق — آیاتها ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
به نام الله مهر گسترِ مهربان

قُلْ	أَعُوذُ	بِرَبِّ	ٱلْفَلَقِ	(۱)	مِن	شَرِّ	مَا	خَلَقَ	(۲)	وَمِن
بگو	پناه می برم	به پروردگار	سپیده دم	۱	از	گزندِ	آنچه	آفریده است	۲	و از

شَرِّ	غَاسِقٍ	إِذَا	وَقَبَ	(۳)	وَمِن	شَرِّ	ٱلنَّفَّٰثَٰتِ	فِى
گزندِ	تاریکی	چون	درآید	۳	و از	گزندِ	زنان دمنده	در

ٱلْعُقَدِ	(۴)	وَمِن	شَرِّ	حَاسِدٍ	إِذَا	حَسَدَ	(۵)
گره ها [ساحران]	۴	و از	گزندِ	حاسد	آنگاه که	حسد ورزد	۵

ترتیبها ۱۱۴ — سُورَةُ النَّاس — آیاتها ۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
به نام الله مهر گسترِ مهربان

قُلْ	أَعُوذُ	بِرَبِّ	ٱلنَّاسِ	(۱)	مَلِكِ	ٱلنَّاسِ	(۲)	إِلَٰهِ
بگو	پناه می برم	به پروردگار	مردمان	۱	فرمانروای	مردمان	۲	اله

ٱلنَّاسِ	(۳)	مِن	شَرِّ	ٱلْوَسْوَاسِ	ٱلْخَنَّاسِ	(۴)	ٱلَّذِى
مردمان	۳	از	گزندِ	وسوسه گر	نهان	۴	آن که

يُوَسْوِسُ	فِى	صُدُورِ	ٱلنَّاسِ	(۵)
وسوسه می کند	در	دل های	مردمان	۵

مِنَ	ٱلْجِنَّةِ	وَٱلنَّاسِ	(۶)
از	جن ها	و مردمان	۶

فهرست سوره ها

علامات الوقف ومصطلحات الضبط :

ۘ تُفِيدُ لُزُومَ الوَقْفِ

لا تُفِيدُ النَّهْيَ عَنِ الوَقْفِ

صلى تُفِيدُ بأَنَّ الوَصْلَ أَوْلَى مَعَ جَوازِ الوَقْفِ

قلى تُفِيدُ بأَنَّ الوَقْفَ أَوْلَى

ج تُفِيدُ جَوازَ الوَقْفِ

∴ ∴ تُفِيدُ جَوازَ الوَقْفِ بأَحَدِ المَوْضِعَيْنِ وَلَيْسَ في كِلَيْهِما

ٜ للدِّلالَةِ عَلَى زِيادَةِ الحَرْفِ وَعَدَمِ النُّطْقِ بِهِ

ۥ للدِّلالَةِ عَلَى زِيادَةِ الحَرْفِ حِينَ الوَصْلِ

ۡ للدِّلالَةِ عَلَى سُكُونِ الحَرْفِ

م للدِّلالَةِ عَلَى وُجُودِ الإِقْلابِ

ً للدِّلالَةِ عَلَى إِظْهارِ التَّنْوِينِ

ٌ للدِّلالَةِ عَلَى الإِدْغامِ وَالإِخْفاءِ

ا للدِّلالَةِ عَلَى وُجُوبِ النُّطْقِ بِالحُرُوفِ المَتْرُوكَةِ

س للدِّلالَةِ عَلَى وُجُوبِ النُّطْقِ بِالسِّينِ بَدَلَ الصَّادِ

وَإِذا وُضِعَتْ بِالأَسْفَلِ فَالنُّطْقُ بِالصَّادِ أَشْهَرُ

ٓ للدِّلالَةِ عَلَى لُزُومِ المَدِّ الزّائِدِ

۩ للدِّلالَةِ عَلَى مَوْضِعِ السُّجُودِ ، أَمّا كَلِمَةُ وُجُوبِ السُّجُودِ

فَقَدْ وُضِعَ فَوْقَها خَطٌّ

۞ للدِّلالَةِ عَلَى بِدايَةِ الأَجْزاءِ وَالأَحْزابِ وَأَنْصافِها وَأَرْباعِها

٤ للدِّلالَةِ عَلَى نِهايَةِ الآيَةِ وَرَقْمِها .

سخن ویراستار

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس و ستایش خدای یکتای بی همتا و بنده نواز را که به این بندهٔ شیفته قرآن کریم توفیق عطا فرمود تا دربارهٔ ترجمهٔ تفسیر کابلی که برگردانی به فارسی از ترجمهٔ شیخ الهند است نیک بیندیشم و اصلاحات لازم و فراگیر را در آن به انجام رسانم.

به طور کلی پنج نوع ترجمه از قرآن کریم قابل تصوّر است:

۱- ترجمهٔ تحت اللّفظی ۲- ترجمهٔ تطبیقی ۳- ترجمهٔ تفسیری ٤- ترجمهٔ مضمونی ٥- ترجمهٔ منظوم.

- مراد از **ترجمهٔ تحت اللّفظی،** ترجمه‌ای است که معنای هر کلمه از آیات در زیر آن گنجانده شود و مترجم در ارائه معانی کلمه به کلمهٔ آیات، خود را مقیّد به رعایت ضوابط دستوری زبان مقصد نکند. چنین ترجمه‌ای طبعاً از مقولهٔ ترجمهٔ مصطلح، خارج و در چهارچوبهٔ «لغت - معنی» و یا «فرهنگِ لغات» قرار می گیرد.

- مراد از **ترجمهٔ تطبیقی،** این است که ترجمه کاملاً منطبق بر متن باشد و این انطباق باید هم در کمیّت باشد و هم در کیفیّت؛ یعنی حجم ترجمه به اندازهٔ حجم متن، و مفهوم و محتوای ترجمه نیز بیانگر مفهوم و محتوای متن باشد و چیزی هم زائد بر متن نباشد.

- مراد از **ترجمهٔ تفسیری،** ترجمه‌ای است که آمیخته با توضیح و تفسیر کوتاه باشد.

- مراد از **ترجمهٔ مضمونی،** ترجمه‌ای است که مترجم تنها مضمون آیات را در قالب زبانِ مقصد خویش بگنجاند، و خود را مقیّد به تطبیق جمله به جملهٔ متن در قالب ترجمه نگرداند. گویا آنچه که به عنوان «ترجمهٔ آزاد» بر سر زبان ها جاری است، همان ترجمهٔ مضمونی باشد.

- مراد از **ترجمهٔ منظوم،** ترجمهٔ شعری (موزون مقفّی) از قرآن کریم است که طبعاً تا حدود زیادی سمت و سوی ترجمهٔ مضمونی پیدا می کند؛ زیرا قالب نظم هر اندازه دقیق هم باشد نمی تواند مانند نثر، همهٔ مفاهیم و محتوای متن را در خود جای دهد.

ترجمهٔ کابلی و جایگاه آن

اصل این ترجمه به زبان اردو از مولانا محمود حسن ملقّب به «شیخ الهند» است که در سال ۱۲۶۸ هجری قمری در بریلی هند دیده به جهان گشوده است. پدر او مولانا ذوالفقار علی سرپرست مدارس علمی در «دیوبند» از توابع

«سهارنپور» هندوستان بوده و به همین جهت هم نسبت «دیوبندی» بعد از نام مولانا محمود حسن ذکر شده است.

مولانا محمود حسن، پس از تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۲۸۳ هـ‍ـق پس از افتتاح دارالعلوم دیوبند به عنوان اولین شاگرد آن مدرسه ثبت نام کرد و در اندک مدّتی «صحاح ستّه» را از مولانا محمد قاسم نانوتوی فرا گرفت و بخشی از کتب حدیث را نزد مولانا محمد یعقوب نانوتوی استاد ارشد دارالعلوم دیوبند آموخت و پس از هفت سال کوشش مستمّر در ۱۹ ذی قعده ۱۲۹۰ هـ‍ـق موفق به اخذ مدرک فارغ التحصیلی از آن مؤسسه علمی شد و از سال ۱۲۸۸ به عنوان «مدرس چهارم» فعالیت‌های تدریسی خویش را در همان آموزشگاه آغاز کرد و در سال ۱۳۰۵ به مقام «صدر مدرّس» یعنی «شیخ الحدیث» نائل آمد. و به تربیت شاگردان فراوانی پرداخت و در مدّت ۴۴ سال تدریس، طلاب فاضلی از شاگردان ایشان به مقام والای علمی دست یازیدند.

شیخ الهند تمام زندگی خویش را برای نشر و احیای مفاهیم ارزشمند اسلامی و آموزه های والای قرآنی صرف کردند. ایشان در تقویت مسلمانان در نقاط گوناگون، کوشش‌های چشمگیری انجام داد. همچنین در متحد ساختن سران کشورهای اسلامی تلاش فراوانی کرد و نمایندگان و مبلّغانی را به کابل و حجاز گسیل داشت و بر میزان فعالیت قرآنی خویش افزود. در ربیع الاول ۱۳۳۵، در جزیرهٔ مالت به اتّهام شورش علیه حکومت وقت محاکمه گردید و در همان جزیره به زندان محکوم شد.

در دوران زندان، از اول شوال ۱۳۳۵ ترجمهٔ قرآن را به زبان اردو آغاز کرد و در دوم شوال ۱۳۳۶ در مدّت یک سال آن را به پایان رساند. و تصمیم داشت برای آن پانوشت هایی اضافه کند. برای پانوشتها، اقدام به بازبینی آن نمود و تا پایان سوره مائده را به سر انجام رساند. اما به دلیل بیماری حاصل از زندان از ادامه پانوشت ها بازماند. از این رو بقیه پانوشت های آن را «علامه شبیر احمد عثمانی» به انجام رسانیده است.

ایشان پس از بازگشت به وطن و ادامه تلاشهای دعوتگرانه خود، سرانجام در ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۹ هـ‍ـق بر اثر بیماری در دهلی، چشم از جهان فرو بست.

این اثر اردو زبان بنا به تصریح مترجم آن بر اساس ترجمهٔ «موضح الفرقان» شاه عبدالقادر به درخواست عدّه‌ای از دوستانش به نگارش در آمده است، و به سه ترجمهٔ پیش از خود یعنی ترجمه **شاه ولی الله دهلوی، شاه رفیع الدین و شاه عبدالقادر** اشاره می کند که با استفاده از آنها این ترجمه را سامان بخشیده است.

مترجم در مقدمهٔ مبسوط بر ترجمهٔ «موضح القرآن» شاه عبدالقادر می نویسد:

«واقعیت این است که ترجمه شاه عبدالقادر از ابتدا تا انتهاء مشحون از نکات ظریف و دقیق است... البته پاره‌ای از این نکات را در جای خود بالاجمال یا با تفصیل عرض خواهم کرد... این امر نیز قابل ذکر است که وقتی شاه ولی الله دهلوی قرآن شریف را به فارسی ترجمه کرد، یک سری نکات ضروری و مهم را در حاشیه ذکر نمود اما این توضیحات برای عموم مسلمانان کفایت نمی کرد. پس از ایشان شاه عبدالقادر به ترجمه قرآن پرداختند و بر بیان نکات تفسیری قدری افزودند... بعد از بیان کیفیت اصل ترجمه، می خواهم نکاتی دربارهٔ ترمیم و اضافات خویش بگویم. افزوده‌های بنده در دو زمینه بوده است: نخست یافتن معادل‌های جدید برای واژه ها و اصطلاحات مهجور و متروک؛ دوم توضیح موارد مجمل و باز کردن آن به قدر ضرورت. هر گاه نوبت جایگزین کردن معادل‌های جدید فرا رسیده،

هیچ موردی را طبق سلیقه و برداشت خویش تغییر ندادهام، بلکه سعی کرده ام آن را از ترجمهٔ علمای بزرگ اقتباس کنم. گاهی از تفسیر شاه عبدالقادر که به زبان اردو نگارش یافته، استفاده کرده ام و گاهی از ترجمهٔ مولانا رفیع الدین و گاهی از ترجمهٔ فارسی شاه ولی الله تحت عنوان «فتح الرحمان» بهره جسته ام. علما در ترجمهٔ بعضی از کلمات قرآن با هم اختلاف نظر دارند در چنین مواقعی اکثر به اتّباع شاه عبدالقادر پرداخته ام و در مواردی از شاه ولی الله متابعت کرده ام. در باب نکات تفسیری به ذکر تمام نکات تفسیری موضح القرآن ملتزم بوده ام، مگر به ندرت مواردی بوده که ضرورت درج آن نیافته ام. از آن جایی که در بیان نکات تفسیری وسعت و گنجایش وجود دارد و همانند ترجمه، انسان در دایرهای تنگ مقیّد نیست، بنده در استفاده از نکات تفسیری شاه عبدالقادر به این شیوه عمل کرده ام که عبارت او را در قالب عبارات خود بیان کرده و از تغییر و تبدیل، تقدیم و تأخیر و اجمال و تفصیل احتراز ننموده ام. حتی نکات تفسیری دیگری را که مفید دانسته ام، بر آن افزوده ام و محدودیتی که به سبب تقلید از شاه عبدالقادر در ترجمه برایم پیش آمده، سعی کرده ام با توضیح بیشتر در بخش تفسیر، به تفصیل روی آورده ام. علت دیگر طولانی شدن نکات تفسیری این است که شاه عبدالقادر فقط به توضیح آیات پرداخته و بنده علاوه بر آن به توضیح ترجمه او نیز پرداخته ام؛ زیرا محور تلاش من بیشتر کار روی ترجمه ایشان بوده است. از آن جایی که ترمیم و اضافات پراکندهٔ بنده را نمی توان ترجمهای جدید تصوّر کرد، انتخاب نام جدیدی را بر آن مناسب ندانستم، امّا به خاطر التباس و رفع اشتباه، مصلحتاً مناسب دیدم که برای این ترجمه نیز همانند اصل آن نامی انتخاب گردد تا شبهه و التباس پیش نیاید. چون نام اصل ترجمه «موضح القرآن» است، گذاشتن نام «موضح الفرقان» را مناسب دانستم».

آنگاه در پایان مقدمه اش یادآور می شود که پس از انتشار این ترجمه و تفسیرش، خوانندگان، مواردِ ضعف آن را گوشزد نموده و به اصلاح آن پردازند.

آری، داشتن این گونه روحیهٔ نقدپذیری بیانگر شرح صدر و صفای روح حقیقت جوی این قرآن پژوه ارجمند است عین عبارت ایشان چنین است:

«از اهل علم و انصاف التماس می کنم که اگر این ترجمه منتشر شد و به دست آنان رسید، آن را ملاحظه فرموده و اموری را که قابل اصلاح می دانسته، در اطلاع دادنشان به بنده تأمل نفرمایند؛ **و اگر شخصی خواست مستقلاً به اصلاح و ترمیم آن بپردازد می تواند به آن اقدام نماید و در بهتر کردن و بارور نمودن آن کوتاهی نفرماید. این صله ی عام است یاران نکته دان را».[۱]**

ترجمه و تفسیر «موضح الفرقان» مولانا محمود حسن دیوبندی به زبان اردو، توسط یکی از شاگردان فاضل ایشان به نام مولانا شبیراحمد عثمانی – از شخصیت‌های علمی و سیاسی هند و پاکستان – به افغانستان منتقل می شود و در آنجا، لجنهای از علمای کابل به ترجمهٔ فارسی آن می پردازند و عنوان «تفسیر کابلی» را پیدا می کند که بارها در پاکستان و افغانستان و ایران تجدید چاپ شده است. پس از آخرین چاپ جدید آن توسط **نشر احسان** در تهران، ناشر گرانقدر و فرهنگ دوست آن، که تلاش فراوانی در نشر آثار قرآنی دارد به این جانب پیشنهاد «تصحیح»، «بازترجمان» و «ویرایش کامل» آن را به همان سبک زیرنویس (تحت اللّفظی) دادند تا بهتر و بیشتر مورد استفاده قاریان و قرآن پژوهان واقع شود. ترجمهٔ کابلی در واقع ترجمه ای مضمونی و به تعبیر دیگر ترجمه ای آزاد از ترجمهٔ شیخ الهند است. ترجمهٔ شیخ الهند به سبک مترجمان حنفی خراسان و شبه قارهٔ هند رویکرد خاص خود را دارد و

1- این مقدمهٔ بیش از بیست صفحهای را که در اصل به زبان اردو بوده، توسط جناب آقای دین محمد شهنوازی (صلاح الدین) در تاریخ ۹۱/۱۰/۲۵ به فارسی ترجمه شده و توسط ناشر محترم در اختیار این جانب قرار گرفته است. بدین وسیله مراتب سپاسگزاری خود را از جناب شهنوازی که از فرهیختگان بلوچ کشورمان است، ابراز می دارم.

می توان گفت از ادبیات فارسی قرن ۵ و۶ و ۷ کم و بیش تأثیر پذیرفته است. به گمان این جانب توجّه به متون کهن فارسی به ویژه ترجمه های قرن ۴ تا ۱۲ و بازترجمان شماری از آنها یکی از ضرورت های فرهنگی عصر ما در عرصهٔ قرآن پژوهی است.

و اینک خدای را شاکرم که توفیق انجام این مهمّ - که نزدیک به دو سال به طول انجامید - را به من عنایت فرمود تا با کوشش پی گیر مداوم در مفردات قرآن کریم و شناسایی واژگان مناسب برای کلمات آن پس از مراجعه فراوان به منابع لغوی نزدیک به زمان نزول قرآن و بازنگری و بازترجمان ترجمهٔ تحت اللّفظی آن بر اساس معادل‌های ساده و روان، اثری دقیق در نوع ترجمهٔ زیرنویس عرضه بدارم که ویژگی‌های آن به شرح زیر است:

۱- رسالت این ترجمه، آشنایی خوانندگان قرآن کریم با معادل‌های واژگان فارسی آن است.

۲- این اثر، جنبه «لغت – معنی» واژه‌های قرآن را دارد نه ضرورتاً تفهیم محتوایی آیات.

۳- در این ویرایش، تلاش ویراستار این بوده که تا سر حدّ امکان، ذهن خوانندهٔ قرآن را به مقصود هر آیه نزدیک کند، هر چند چنین رسالتی از عهدهٔ ترجمهٔ تحت اللفظی خارج است.

۴- در معادل یابی کلمات، واژه‌های نزدیک به نثر معیار انتخاب شده است.

۵- برای مفهوم تر شدن آیات، کم و بیش از توضیحات بسیار کوتاه در میان قلاب ها استفاده شده است.

۶- هر چند در بازترجمان این ترجمه، تغییر واژگان و تبدیل آنها به واژه‌های مناسب‌تر به فراوانی انجام گرفته، ولی آرای مترجم - بویژه در موارد اختلافی - دستخوش تغییر نشده است.

۷- از جمله امتیازات ظاهری و شکلی این ترجمه، حُسن سلیقه ای است که ناشر گرانقدر در رنگی نمودن متن و ترجمهٔ آن به کار برده است، بدین گونه که هر واژهٔ فارسی به رنگ همان کلمهٔ قرآنی است که دقیقا در زیر آن قرار گرفته است. این طرح نیکوی کم سابقه، خوانندهٔ قرآن را در معادل یابی واژگان فارسی آن به درستی رهنمون می سازد. و در ضمن تلاوت، معانی کلمات قرآن را به گونهٔ آموزشی، در ذهنش استقرار می بخشد.

در پایان برخود لازم می دانم از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از نشر احسان، ناشر پر تلاش و دلسوز در حوزه علوم قرآنی نهایت تشکر را داشته، و از تلاش ایشان و همکاران توانمندشان در به ثمر رسیدن این اثر نفیس و ارزشمند قرآنی کمال قدر دانی را بجای آورم.

امید است که این اثر، جالب توجّه قاریان و تلاوت کنندگان قرآن کریم، و وسیلهٔ تقرّب آنان به خدای منّان گردد.

بهار ۱۳۹۲ - محمدعلی کوشا

سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن، کتاب هدایت است و برای هدایت بشر بر پیامبر خاتم نازل شده است. در شماری از آیات نقش هدایت‌گری قرآن به تصریح بیان شده است: ﴿ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴾ (بقره: ۲)، ﴿ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ ﴾ (لقمان: ۳)، ﴿ هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴾ (نمل: ۲)، ﴿ إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴾ (اسراء: ۹). لازمه‌ی هدایت‌گری قرآن آن است که برای مخاطبان خود قابل فهم و درک باشد و معانی و اهدافِ آیات با کمترین تلاش، ذهنِ خواننده را به‌سوی خود جذب کند. امام شاه ولی‌الله دهلوی، فقیه و قرآن‌پژوهِ نامدار هندی، در فرازی از مقدمه‌ی خود بر ترجمه‌ی قرآن کریم به زبان فارسی به‌نام فتح‌الرحمن می‌گوید:

«اگر انصاف دهی فایده‌ی اصلی از نزول قرآن اتّعاظ است به مواعظ آن، و اهتداست به هدایت آن، نه صرف تلفّظ به آن. اگرچه تلفّظ آن‌هم مغتنم است. پس چه مسلمانی به‌دست آورده است کسی که مدلول قرآن را نفهمد؟ و کدام حلاوت دارد آن‌که مدلول کلام‌الله را نداند؟»

تفاسیر و کتاب‌هایی که با موضوعات قرآنی از سوی نشر احسان منتشرشده و در دسترسِ قرآن‌پژوهان و علاقمندان به قرآن قرار گرفته‌اند، با همین هدف تألیف، ترجمه و چاپ شده‌اند.

اما برای هرچه بیشتر نزدیک شدن به این هدف درصدد فراهم آوردن ترجمه‌ای تحت‌اللفظی (لغت ـ معنی) از آیات قرآن کریم برآمدیم. برای این منظور ترجمه‌ی تفسیر کابلی را که از لحاظ علمی دارای اعتبار است و مؤلف آن، مولانا محمودحسن (۱۳۳۹ ـ ۱۲۶۸ هـ.ق) از علمای طراز اول هندوستان بوده است، مبنای کار قرار دادیم. ولی از آن‌جا که در ترجمه‌ی واژه‌های قرآنی گاه معادل‌های دشوار و نامأنوس و فاقد کاربرد، نثر معیار، جایگزین شده است، لازم دیدیم تغییرات اساسی، در ترجمه‌ی تفسیر کابلی ایجاد کنیم و معادل‌های آن را با واژه‌های امروزی جایگزین کنیم.

برای نیل به این مقصود با استاد محمد علی کوشا، از قرآن‌پژوهان و صاحب‌نظران بنام، در حوزه‌ی ترجمه و تفسیر قرآن تبادل‌نظر کردیم. ایشان که هم دانش‌آموخته‌ی حوزه است و با ظرافت‌های علوم دینی آشنا است و هم با ادبیات فارسی مأنوس است؛ با سعه‌ی‌صدر و اشتیاق ستودنی، کار ویرایش و بازنویسی این ترجمه را پذیرفتند و چنان‌که باید و انتظار می‌رفت، این کار را به اتمام رساندند. در مقدمه‌ی وزینی که به قلم ایشان آمده هم شیوه‌ی کار ایشان و هم معرفی این ترجمه، به تفصیل بیان شده است.

تلاش زیادی صورت گرفت تا این اثر از جوانب مختلف با حداقل اشتباه به چاپ برسد. آنچه مربوط به تصحیح متن قرآن می‌باشد، سازمان دارالقرآن وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی که نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم را در سراسر کشور برعهده دارد، با دقت فراوان آن را بررسی کرده و پس از حصول اطمینان، مجوز چاپ آن را صادر نمود. که جا دارد از تمامی دست اندکاران این مؤسسه خصوصا فرهیخته گرامی جناب آقای حاج شریف و همکارانش، تشکر و قدردانی نماییم.

در خصوص کنترل ترجمه فارسی، دوست قرآن پژوه و نکته سنج جناب آقای دکتر هیوا حفیدی با حوصله فراوان به بررسی و اصلاحات لازم همت گمارده و با تلاش شبانه روزی خود، چندین و چند بار این اثر را مورد بازنگری قراردادند تا احتمال اشتباه در این بخش نیز به حداقل ممکن برسد.

نمونه خوانی و مطابقت های لازم توسط دوست فاضل و گرامی جناب آقای امیررضا صدقی به نحو دقیقی صورت گرفت. و در نهایت، همکار خوش ذوق و مهربان، جناب آقای ناصر کردی نیز با همکاری سرکار خانم لیلا موسوی در تصحیح اشتباه‌های فنی در فایل، و رنگ آمیزی‌های مناسب و صفحه آرایی کامل قرآن از هیچ تلاشی دریغ نکردند تا این ترجمه از قرآن کریم، بدین شیوه به محضر شما تقدیم گردد،که از یکایک این عزیزان نیز تشکر و قدر دانی می نماییم.

اینک نشر احسان، پس از تلاش و کوشش فراوان برای عرضه‌ی هرچه بهتر این اثر، آن را در قالبی نو، در دسترس علاقه‌مندان و قرآن‌پژوهان قرار می‌دهد. امید است که صاحب نظرانِ حوزه‌ی قرآنی با ارائه‌ی نقدها و دیدگاه‌های ارزنده‌ی خود، ما را در هرچه بهتر عرضه کردنِ آن در چاپ‌های بعدیِ یاری و مساعدت نمایند.

نشر احسان

عنوان قراردادی: قرآن. فارسی - عربی
عنوان و نام پدیدآور: قرآن کریم/ ترجمه تحت‌اللفظ محمود حسن شیخ‌الهند ؛
تصحیح، بازنویسی و ویرایش محمدعلی کوشا.
تهران: نشر احسان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۶۱۸ ص.؛ ۲۹×۲۲ س‌م.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۹۸۵-۳
چاپ اول: ۱۳۹۳
یادداشت: فارسی- عربی.
شناسه افزوده: شیخ الهند، محمودحسن، ۱۲۶۸ - ۱۳۳۹ ق.، مترجم
shaykhalhend,mahmood hasan
کوشا، محمد علی، ۱۳۳۱ - ، مصحح، ویراستار
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ BP۵۹ /۵ ف۹/ ۶۶
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۴۱
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۲۷۲۳۵

قرآن کریم

ترجمه: **مولانا محمود حسن (شیخ الهند)**

تصحیح، بازترجمان و ویرایش: **محمد علی کوشا**

ایده پرداز و مدیر پروژه : **عبدالرحمن یعقوبی**

ناظر کیفی و محتوایی: **هیوا حفیدی**

نمونه خوان : **امیر رضا صدقی**

تفکیک کلمات: **لیلا موسوی**

گرافیک: **ناصر کردی**

ناشر: **نشر احسان**

لیتوگرافی: **آفتاب**

چاپ و صحافی: **چاپخانه بزرگ قرآن کریم (اسوه)**

نوبت چاپ: **اول - ۱۳۹۳**

تیراژ: **۵۰۰۰ نسخه**

شابک: **۳-۹۸۵-۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸**



بسم الله الرحمن الرحيم

شماره: ۹۲۰۹/۱۳۴۱
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۲۸

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

این مصحف شریف شامل: سی جزء کامل

و با مشخصات:

خطاط	: عثمان طه
نوع خط	: نسخ
مترجم	: محمودحسن(شیخ الهند)و باتصحیح محمدعلی کوشا
نوع ترجمه	: زیر(کلمه به کلمه تحت اللفظی)
زبان ترجمه	: فارسی
قطع	: رحلی (اندازه متن قرآن: ۱۵ × ۲۳۰ سانتیمتر)
تعداد سطور در هر صفحه	: پانزده
تعداد صفحات متن قرآن	: ۶۰۴ (تعداد صفحات قبل از متن: ۵- تعداد صفحات بعد از متن: ۹- مجموع صفحات: ۶۱۸)
نوبت چاپ	: اول
محل چاپ و چاپخانه	: قم- چاپخانه بزرگ قرآن کریم
تعداد	: پنج هزار جلد

در تاریخ **۱۳۹۲/۱۱/۲۷** از جهت صحت کتابت و انطباق با قرائت عاصم به روایت حفص در معاونت نظارت بر چاپ و نشر قرآن‌کریم سازمان دارالقرآن‌الکریم بررسی و تصحیح گردید که مراتب در پرونده شماره (۰۱۳۱۰۴۹۱۲۰۰۱۱۰۱۱۵۰۶۰۴۲۶) ثبت و چاپ آن توسط انتشارات **احسان** با رعایت مقررات اعلام شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بلامانع می‌باشد.

بدیهی است انتشار این مصحف شریف پس از چاپ منوط به دریافت مجوز نشر (توزیع) و تجدید چاپ آن مشروط به تأیید مجدد و صدور مجوز کتبی معاونت نظارت بر چاپ و نشر قرآن‌کریم خواهد بود.

و من الله التوفیق
سازمان دارالقرآن‌الکریم



۹۲/۱۱/۲۸








ISBN
9 789643 569853